

از چه کسی باید اطاعت کنیم؟

با شتاب آمدم تا اوامر تو را اجرا کنم. (مزمور ۱۱۹: ۶۰)



جواد تلویزیون تماشا می کرد. مادرش وارد اتاق شد و به او گفت: “پسرم نمی خواهم این برنامه را تماشا کنی.” جواد کانال را عوض کرد. آیا جواد از مادرش اطاعت کرد؟ بله! اما وقتی مادرش از اتاق بیرون رفت، دوباره به تماشای بقیه آن برنامه پرداخت. کتاب مقدس می گوید: “ای فرزندان مطیع پدر و مادر خود باشید، زیرا خداوند را خشنود می سازید” (کولسیان ۳: ۲۰). وقتی مربی الهام، قانون جدیدی را توضیح می داد، الهام به او گوش داد و بعد با خود زمزمه کرد: “این مسخره است.” سپس او این قانون را زیر پا گذاشت. آیا انجام این کار درست است؟ کتاب مقدس می گوید: “از رهبران روحانی خود اطاعت کنید و هر آنچه می گویند با کمال میل انجام دهید، زیرا کار ایشان مراقبت از جان های شماست و از این لحاظ در برابر خدا پاسخگو می باشند. پس به گونه ای رفتار کنید که ایشان از خدمت خود لذت ببرند، نه اینکه با درد و رنج آن را انجام دهند. زیرا در غیر این صورت شما نیز رنج خواهید برد” (عبرانیان ۱۳: ۱۷). رهبران، معلمان و مربیان را نیز شامل می شود. رهبر، شاید یک مشاور تحصیلی، پلیس یا رییس جمهور کشور باشد. شما رهبران بسیار زیادی دارید. بزرگترین رهبر ما خود خداست. او از ما می خواهد که از او اطاعت کنیم. در این صورت به ما قدرت می دهد تا از آنچه به ما می گوید، اطاعت کنیم. در مزامیر ۱۱۹: ۳۴ داوود می نویسد: “به من فهم و حکمت بده تا با تمام دل شریعت تو را نگاه دارم و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود.” وقتی از رهبرانی که خدا به شما داده است، اطاعت می کنید در واقع از یکی از احکام خدا اطاعت می کنید. آیا انتخاب می کنید که این کار را امروز انجام دهید؟

لیست کسانی که خدا می خواهد از آنها اطاعت کنید را بنویسید



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، می خواهم از احکامات اطاعت کنم. به من کمک کن تا به والدین و دیگر رهبرانم گوش فرا دهم و به من کمک کن تا آنچه را که می گویند، انجام دهم. در نام عیسی. آمین



چرا باید از خدا اطاعت کنم؟

با شتاب آمدم تا اوامر تو را اجرا کنم. (مزامیر ۱۱۹: ۶۰)



ساختن لیستی از کارهایی که خدا می خواهد انجام دهید، آسان است: با مردم مهربان باشید! حقیقت را بگویید! دعا کنید! با دیگران درباره عیسی صحبت کنید! از والدین تان اطاعت کنید! عجب لیستی! آیا می توانید چیزهای دیگری به این لیست اضافه کنید؟

مشکل این است که از این احکام فوراً اطاعت کنید و در اطاعت از آنها تاخیر نکنید. خدا می خواهد به آنچه کتاب مقدس می گوید، توجه کنید. آنگاه با خوشی تصمیم بگیرید که از آن امر اطاعت کنید. وقتی موفق نمی شوید از خدا اطاعت کنید، نمی توانید توقع داشته باشید که خدا به دعاهای تان پاسخ دهد.

شما باعث ناراحتی خودتان و احتمالاً دیگران می شوید. مهم تر از همه اینکه شما باعث ناامیدی خدا از خودتان می شوید، چون خدا که شما را دوست دارد، عیسی را فرستاد تا نجات دهنده شما باشد.

چرا باید از خدا اطاعت کنید؟ عیسی در کتاب مقدس می گوید: “اگر مرا دوست دارید، احکام مرا اطاعت می کنید” (یوحنا ۱۴: ۱۵). دلیل اصلی برای اطاعت شما از خدا این است که او را دوست دارید. به خدا بگویید که می خواهید از او اطاعت کنید. از خدا بخواهید به شما قوت دهد تا از او اطاعت کنید. وقتی از حکم خدا اطاعت می کنید، چه اتفاقی رخ می دهد؟ کتاب مقدس می گوید: “در زندگی سعادت در این است که به آنچه می دانید، عمل کنید” (یوحنا ۱۳: ۱۷).

اطاعت از خدا باعث ایجاد شادی در زندگی شما بر روی زمین می شود. با اطاعت از خدا در آسمان (بهشت) پاداش می گیرید.

چند تا از احکام خدا که اطاعت از آنها برای شما دشوار است را بنویسید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به قوت تو نیاز دارم تا امروز از تمامی احکامات اطاعت کنم. به من کمک کن انتخاب کنم که از تو اطاعت کنم و کار درست را انجام دهم. در نام عیسی. آمین



چطور از احکام خدا اطاعت کنم؟

با شتاب آمدم تا او امر تو را اجرا کنم. (مزامیر ۱۱۹: ۶۰)



کیوان شغل خیلی خوبی پیدا کرد. این شغل کمک می کرد تا او پولی را که برای خریدن یک دوچرخه مسابقه ای نیاز داشت، بدست آورد. اما وقتی شنید که می باید همه صبح های یکشنبه که معمولا به کلیسا می رفت را به سر کار برود، ناامید شد. حالا کیوان می بایست تصمیم بگیرد. او خدا را دوست دارد و واقعا می خواهد از خدا اطاعت کند. اگر خدا را دوست دارید، شما نیز می خواهید از او اطاعت کنید. در ابتدا باید بدانید که احکام خدا چیست. در حالیکه هر روز کلام خدا را می خوانید، سعی کنید بفهمید که کلام او به شما چه می گوید. همچنین شاید بخواهید آیات کتاب مقدس را حفظ کنید تا احکام آن را به یاد آورید. می باید هر زمان که کسی از کتاب مقدس تعلیم می دهد، با دقت گوش دهید. وقتی حکمی را در کلام خدا کشف می کنید، از خدا بخواهید به شما کمک کند که آن را فوراً اطاعت کنید.

محبت شما به خدا، در اطاعت فوری شما از احکامش مشخص خواهد شد. جواد در زمان عبادت شخصی خود وقتی عبرانیان ۱۰: ۲۵ را مطالعه می کرد که خدا به مسیحیان می گوید: “همچنین مانند برخی، از حضور در مجالس کلیسایی غافل نشوید، بلکه یکدیگر را تشویق کنید، به خصوص در این روزها که بازگشت مسیح نزدیک می شود”، فهمید که باید خدا را در اولویت مسائل خود قرار دهد. او تصمیم گرفت آن شغل را قبول نکند تا بتواند صبح روزهای یکشنبه به خانه خدا برود. جواد در اطاعت از حکم خدا سریع العمل بود.

چطور می توانید از احکام خدا اطاعت کنید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، تو را دوست دارم و می خواهم از احکامت اطاعت کنم. لطفاً به من نشان بده تا کاری را که می خواهی انجام دهم. به من کمک کن تا فوراً از تو اطاعت کنم. در نام عیسی. آمین





آیا تقصیر من است؟

با شتاب آدمم تا اوامر تو را اجرا کنم. (مزامیر ۱۱۹: ۶۰)



“اما مامان”، سامان التماس کنان گفت: “الان باید به پارک بروم. احتمالا بچه ها تا الان تیم ها را انتخاب کرده اند. اگر به زودی به آنجا نرسم، از بازی جا می مانم.” مادر به سامان نگاه کرد و چیزی نگفت. او نمی بایست چیزی می گفت. مادر سامان هرگز عقیده اش را درباره نظافت اتاق تغییر نمی داد. هرگز!

سامان مسئول کارهای شخصی خودش بود. یعنی سامان باید کار خود را انجام می داد. بعضی وقت ها او سعی می کرد چیز دیگری را دلیل انجام ندادن کارهایش بداند، مثلا می گفت: “نتوانستم آن کار را انجام دهم، چون معلم تکلیف زیادی به من داد.” تکلیف مدرسه یا هر چیز دیگری که بود، سامان می باید کارش را انجام می داد. شما نیز در بعضی کارها مسئول هستید. مسئول بودن یعنی اینکه شما باید درباره افکار و اعمال تان جواب پس بدهید. وقتی تنبل می شوید یا تصمیم می گیرید که سرپیچی کنید و کاری را انجام نداده و رها کنید، مقصر کیست؟ شما مقصرید!

مهم تر از همه، کتاب مقدس می گوید که همه ما بایستی به خدا جواب پس بدهیم (رومان ۱۴: ۱۲).

خدا در کتاب مقدس به شما می گوید که چه کاری را از شما می خواهد که انجام دهید. او توقع دارد از او اطاعت نمایید. او به شما قوت می دهد تا کار درست را انجام دهید. وقتی کاری را که قرار است انجام دهید، انجام نمی دهید دیگران را مقصر ندانید. شما مسئول هستید!

اگر مزامیر ۱۱۹: ۶۰ را می دانید، این آیه به شما چه کمکی می کند؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا به خاطر بسپارم که باید به تو جوابگو باشم. به من کمک کن تا فوراً و با طرز فکر درستی از تو اطاعت کنم. در نام عیسی. آمین





اگر خدا را اطاعت نکنم، چه اتفاقی می افتد؟

با شتاب آمدم تا اوامر تو را اجرا کنم. (مزامیر ۱۱۹: ۶۰)



یونس خدا را دوست داشت. خدا به یونس گفت که به نینوا برو. مردمان بسیار بدی در نینوا زندگی می کردند، اما خدا هنوز آنها را دوست داشت. یونس می بایست به ایشان می گفت که چگونه گناهان شان بخشیده می شد. یونس حکم خدا را می دانست، آیا او فوراً و بدون تاخیر خدا را اطاعت می کرد؟ نه! او با عجله به راه دیگری رفت. یونس با ناطاعتی از خدا، برای دیگران مشکل ایجاد کرد.

خود او نیز به مشکل بزرگی برخورد کرد. او توسط یک ماهی بزرگ بلعیده شد. خدا یونس را برای سه روز درون شکم آن ماهی نگاه داشت، یقیناً یونس وقت داشت تا فکر کند که ناطاعتی از خدا عمل بسیار بدی بود.

نااطاعتی از خدا برای شما نیز بد است. وقتی تصمیم می گیرید کار اشتباهی انجام دهید، باعث اندوه روح القدس می شوید. چون خدا را دوست دارید، نباید باعث اندوه روح القدس شوید. همچنین ناطاعتی از خدا باعث اندوه درونی خود شما نیز می گردد. در این حالت دوست ندارید با خدا صحبت کنید یا کتاب مقدس بخوانید و ممکن است به درد سر بیفتید.

به علاوه شادی را که از اطاعت خدا نصیب شما می شود، از دست می دهید. یونس از اینکه از خدا اطاعت نکرده بود، متاسف بود. وقتی انتخاب می کنید ناطاعتی کنید، ممکن است دیگران از این موضوع مطلع نباشند، ولی خدا همه چیز را می داند. او از ناطاعتی شما مطلع است. شما نیز این موضوع را خواهید فهمید و مانند یونس متاسف خواهید شد.

چرا ناطاعتی کردن از خدا، فکر بدی است؟



می توانید اینطوری دعا کنید :

خدای عزیز، اجازه نده مثل یونس عمل کنم. می خواهم از تو اطاعت کنم. متشکرم که مرا دوست داری و به من کمک می کنی تا کار درست را انجام دهم. در نام عیسی. آمین





آیا وقتی از خدا اطاعت می‌کنم، همیشه اتفاقات خوب رخ می‌دهد؟

با شتاب آمدم تا اوامر تو را اجرا کنم. (مزمیر ۱۱۹: ۶۰)



آیا وقتی دیگران چیزهای خوبی در مورد شما می‌گویند، خوشایند نیست؟ تصور کنید که خدا چیز خوبی درباره شما می‌گوید!

خدا درباره مردی بنام ایوب گفت: “در سرزمین عوص مردی زندگی می‌کرد به نام ایوب. او مردی درستکار و خدا ترس بود که از گناه دوری می‌ورزید” (ایوب ۱: ۱). ایوب مردی بود که با تمامی دلش از خدا اطاعت می‌کرد. از آنجا که ایوب خدا را دوست داشت و تصمیم می‌گرفت که از او اطاعت کند، آیا این موضوع بدین مفهوم بود که همیشه چیزهای نیکویی برای او رخ می‌داد؟ نه!

حیوانات او دزدیده شدند. خادمانش کشته شدند. ده فرزندش در طوفان مردند. ایوب همه چیز را از دست داد. او نمی‌دانست چرا خدا اجازه می‌دهد که آن همه اتفاقات بد برای او رخ دهد. اما خدا به ایوب قوت داد تا این مشکلات را تحمل کند. حتی وقتی در سختی‌ها انتخاب می‌کنید که از خدا اطاعت کنید، دیگران می‌بینند خدا قوت مخصوصی به شما می‌دهد. ممکن است مشکلات، شما را از خدا دور کند. در عوض خدا از مشکلات استفاده می‌کند تا شما را بیشتر و بیشتر به خود نزدیک کند تا بیشتر و بیشتر به او اعتماد کنید. خدا وعده می‌دهد که هرگز شما را ترک نکند (عبرانیان ۱۳: ۵). بیاد داشته باشید وقتی اتفاقات بدی رخ می‌دهد، این آیه به شما کمک می‌کند. این امر خیلی عالی خواهد بود که همه چیز برای کسانی که انتخاب می‌کنند از خدا اطاعت کنند خوب باشد، اما اتفاقات زندگی همیشه عالی و خوب نخواهند بود. برای ایوب هم اینطوری نبود. ایوب یاد گرفت که خدا او را از میان روزهای بد عبور می‌دهد. لازم است شما نیز این موضوع را یاد بگیرید.

وقتی اتفاق بدی رخ می‌دهد، چه کاری باید انجام دهید؟



می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا وقتی که حتی اتفاقات بد رخ می‌دهد، از تو اطاعت کنم. خدایا به تو اعتماد دارم. متشکرم که وعده داده‌ای به من کمک خواهی کرد. در نام عیسی. آمین





چرا خدا با غرور مخالف است؟

خدا به شخص فروتن قوت می بخشد، اما با شخص متکبر و مغرور مخالفت می کند. (یعقوب ۴: ۶)



کاوه نمی توانست مقاومت کند. او از کنار ساختمان با سرعت دور شد، دوچرخه تازه اش

برق می زد. او با آگاهی از اینکه مردم در حال تماشا بودند، از روی جدول کنار خیابان عبور کرد و تندتر پا زد. او شنید که جمشید صدا می زد: “هی کاوه! صبر کن! بگذار تا دوچرخه ات را ببینم.” اما کاوه دماغش را بالا گرفت و از کنار او رد شد. کاوه به چرخ های محکم دوچرخه تازه اش می نازید. او برای بار دوم جمشید را دور زد و از کنار او گذشت. کاوه با خود فکر کرد: “جمشید هرگز دوچرخه خوبی مثل این نخواهد داشت، به علاوه اینکه من بهترین دوچرخه سوار هستم!” آیا دوست دارید مردم به شما توجه کنند؟ “ببینید چه کاری انجام داده ام!” “مرا تماشا کنید!” “ببینید چه چیزی دارم!” “من بسیار خوب عمل می کنم.” وقتی چنین تفکرات مغرورانه ای دارید، خدا با شما مخالفت می کند. چرا؟ برای اینکه شما توجه دیگران را به خود جلب می کنید، به جای اینکه توجه آنها را به خدای خود معطوف نمایید. شما تمامی اعتبار و افتخار چیزی را که خدا به شما کمک نموده تا داشته باشید، به خود می دهید. خدا از غرور متنفر است! غرور یعنی اینکه والای خود را از آنچه که شایسته است، درباره خود فکر کنید. این خوب است که از گرفتن نمره عالی یا برنده شدن در یک بازی یا داشتن چیزی تازه، از خود خشنود باشید. از خدا به خاطر آن تشکر کنید، ولی مغرور نشوید. افراد مغرور انتظار دارند که مردم آنها را ستایش کنند. آنها مثل ارباب یا حتی افراد بی ادب با دیگران رفتار می کنند. عیسی طرز فکر “مرا تماشا کنید”، را نداشت شما نیز نباید این مشکل را داشته باشید. چرا پز دادن و مغرور شدن به خاطر اینکه می توانید کاری را انجام دهید یا چیزی را صاحب هستید، اشتباه است؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، مرا برای اوقاتی که مغرورانه رفتار کردم، ببخش. به خاطر چیزهایی که به من دادی یا کارهایی که کمک کردی تا انجام دهم، متشکرم. در نام عیسی. آمین





فروتن بودن به چه معنا است؟

خدا به شخص فروتن قوت می بخشد، اما با شخص متکبر و مغرور مخالفت می کند. (یعقوب ۴: ۶)



به سختی می توان باور کرد! عیسی همراه شاگردانش بود. ادامه بدهید و ببینید چه اتفاقی افتاد.

“از سر شام برخاست، لباس خود را درآورد، حوله ای به کمر بست، آب در لگن ریخت و به شستن پای های شاگردان و خشک کردن آنها با حوله پرداخت” (یوحنا ۱۳: ۴-۵).

عیسی، خدای پسر، پای دیگران را می شوید! مردم در آن زمان صندل (نوعی کفش قدیمی) می پوشیدند. جاده ها خاکی بود. وقتی مهمانی برای دیدار کسی وارد منزل آن شخص می شد، خدمتکار آن خانه باید پاهای مهمان را می شست. آیا این کار عالی به حساب می آمد؟ البته که نه!

آیا آن خدمتکار این کار را دوست داشت؟ نه! آیا کسی از عیسی درخواست نمود که پای شاگردان را بشوید؟ نه!

عیسی خودش خواست این کار را انجام دهد و نشان بدهد که مغرور نبود. عیسی دلی فروتن داشت. یک شخص فروتن اهمیت بیشتری به دیگران در مقایسه با خودش می دهد. انسان فروتن، مشکل غرور ندارد. برای اینکه مانند عیسی فروتن باشید، به شخصی که نیاز دارد، کمک کنید. حتی اگر کسی نگوید: “متشکرم!” یا “خسته نباشید!” حتی اگر کسی متوجه شما نشود. این کار دشواری است. معمولاً می خواهیم که دیگران ما را ستایش کنند و به ما جایزه بدهند. خدا به شما کمک می کند. در جستجوی راه هایی باشید که به خدمت دیگران بپردازید. توقع نداشته باشید که همگی به شما توجه نشان دهند. از نمونه عیسی پیروی کنید.

امروز چه کسی را می توانید خدمت کنید، چه کاری برای او می

توانید انجام دهید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن یاد بگیرم که چگونه با قلبی فروتن به تو خدمت کنم. به من کمک کن تا امروز نسبت به شخص دیگری، یک خادم فروتن باشم. در نام عیسی. آمین



آیا مغرور هستم یا فروتن؟



خدا به شخص فروتن قوت می بخشد، اما با شخص متکبر و مغرور مخالفت می کند. (یعقوب ۴: ۶)

آیا دوست دارید که اسمی مانند نبوکد نصر داشته باشید؟ ببینید تلفظ آن چقدر عجیب است! نبوکد نصر یک پادشاه بود. او به احترام خودش مجسمه طلایی بزرگی ساخت. همگی می بایستی در مقابل این مجسمه تعظیم می کردند و آن را می پرستیدند. نبوکد نصر پادشاه مغروری بود. غرور یک گناه بسیار جدی است. کتاب مقدس می گوید: “تکبر باعث سرافکندگی می شود، پس دانا کسی است که فروتن باشد” (امثال ۱۱: ۲).

پادشاه مغرور، نبوکد نصر تحقیر شد. او به مدت هفت سال شبیه حیوانات شد. او بر روی زمین، چهار دست و پا می رفت و علف می خورد (دانیال ۴: ۳۳). واقعا! خدا درباره نبوکد نصر به ما می گوید تا نشان دهد که از غرور متنفر است. اگر درباره کاری که می توانید انجام دهید یا درباره چیزی که دارید، به دیگران فخر می فروشید، مشکل غرور دارید. خدا می خواهد فروتن باشید، نه مغرور. خدا شما را آفریده است. بدون خدا هیچ کار خوبی را نمی توانید انجام دهید. اعتبار تمام کارهایی که می توانید انجام دهید و تمام چیزهایی را که دارید، به خدا بدهید. در جستجوی راه هایی برای کمک کردن به مردم باشید. وقتی دیگران در یک بازی برنده می شوند، شما نیز خوشحال شوید. وقتی انتخاب می کنید فروتن باشید، شاید بتوانید با دیگران درباره نجات دهنده شگفت انگیز خود صحبت کنید. اگر با فروتنی خدا را تمجید کنید، زندگی تان پر از شادی و برکت می شود. غرور می تواند باعث نابودی شما بشود. نگاه کنید چه اتفاقی برای نبوکد نصر رخ داد.

وقتی مردم از شما تعریف می کنند، چطور می توانید با فروتنی به ایشان پاسخ دهید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، می خواهم بی سر و صدا، حتی اگر هیچ کس متوجه من نشود، به دیگران کمک کنم. وقتی دیگران چیز خوبی درباره من می گویند، به من کمک کن تا اعتبار آن را به تو بدهم. در نام عیسی. آمین



فرد تنبل چگونه شخصی است؟

هر کاری را از جان و دل انجام دهید، درست مانند اینکه برای مسیح کار می کنید، نه برای ارباب تان. (کولسیان ۳: ۲۳)



آیا شما تنبل هستید؟ شخص تنبل برای شروع انجام کارش صبر می کند و صبر می کند. این کار باعث عصبانیت یا ناراحتی دیگران می شود. آیا شما چنین کاری انجام می دهید؟ شخص تنبل می نشیند و می نشیند و به این چیز و آن چیز فکر می کند، در حالیکه باید به معلمش گوش فرا دهد یا درسی را مطالعه کند.

آیا شما چنین کارهایی را انجام می دهید؟ شخص تنبل کار خود را با عجله انجام می دهد. او برای اینکه کارش را به پایان برساند، آن را به نحو بدی انجام می دهد و در نتیجه باید آن را دوباره انجام دهد.

آیا شما نیز چنین کاری انجام می دهید؟ مسیحیان تنبل برای یادگیری بیشتر درباره خدا کاری انجام نمی دهند. آنها آیات کتاب مقدس را حفظ نمی کنند. آنها کتاب مقدس نمی خوانند و دعا نمی کنند. آیا شما نیز چنین کاری انجام می دهید؟ افراد تنبل مایل نیستند به سختی کار کنند یا کارها را در زمان تعیین شده انجام دهند. آنها فقط به خودشان و چیزهایی که می خواهند، می اندیشند. افراد تنبل کسانی که به آنها تکیه کرده اند را فراموش می کنند. بدتر از همه، آنها خدا را فراموش می کنند. کتاب مقدس می گوید: “آدم های تنبل فقیر می شوند، ولی افراد فعال ثروتمند می گردند” (امثال ۱۰: ۴). تنبل نباشید! به تمامی دل و میل و رغبت کار کنید. چون شما به خدا متعلق هستید، او به شما در انجام هر کاری کمک خواهد کرد.

او می خواهد شما انتخاب کنید که هر کدام از کارهای تان را فوراً انجام دهید. این کار باعث خشنودی دیگران می شود. مهم تر از همه، این کار باعث خشنودی خدا می شود.

سه چیزی که می دانید باید در طول این هفته انجام دهید را ذکر کنید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، نمی خواهم تنبل باشم. به من کم کن تا در هر یک از کارهایم، بهترین تلاش خود را انجام دهم. من انتخاب می کنم که برای تو کار کنم. در نام عیسی. آمین



شخص سخت کوش کیست؟



هر کاری را از جان و دل انجام دهید، درست مانند اینکه برای مسیح کار می کنید، نه برای ارباب تان. (کولسیان ۳: ۲۳)

احتمالا والدین تان به شما چیزهایی شبیه این می گویند: “تکالیفت را انجام بده! اتاقت را تمیز کن! پیانو نواختن را تمرین کن!” آیا می توانید چیزهای دیگری نیز به این لیست اضافه کنید؟

گفتن جملاتی مانند، “حالا نه!” یا “الان حوصله اش را ندارم!”، در پاسخ به این درخواست ها وسوسه کننده است. شخص سخت کوش فوراً شروع به انجام کارش می نماید. شخص سخت کوش برای اینکه کارش را به پایان برساند و آن را به خوبی انجام دهد، سخت کار می کند. امثال ۱۳: ۴ می گوید: “آدم تنبل آنچه را که آرزو می کند، به دست نمی آورد، اما شخص کوشا کامیاب می شود.”

آدم ها چیزهای زیادی می خواهند. آنها این چیزها را بدست نمی آورند، چون برای بدست آوردن آنها کار نمی کنند. افراد سخت کوش اغلب چیزهایی را که می خواهند، بدست می آورند، چون به سختی کار می کنند.

افراد سخت کوش در جمع کردن سفره غذا، به جای نشستن و تماشا کردن، همکاری و مشارکت می کنند. افراد سخت کوش لباس های شان را با نظم و ترتیب نگهداری می کنند و آنها را به هر طرف پرتاب نمی کنند. انجام این کارها زمان زیادی نمی خواهد. سخت کوش باشید! انتخاب کنید که برای خشنود کردن خدا کار کنید، نه برای خشنودی دیگران. برای انجام کاری که می باید انجام دهید، شکایت و گله نکنید. نهایت تلاش خود را انجام دهید، چون خدا اینطوری می خواهد.

وقتی وسوسه می شوید که تنبل باشید، کولسیان ۳: ۲۳ را بیاد آورید. بعد لبخند بزنید و شروع به کار کنید.

چند کاری که خدا به شما کمک کرد تا در این هفته با سخت کوشی انجام دهید را ذکر کنید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، می خواهم شخص سخت کوشی باشم. وقتی وسوسه می شوم، به من کمک کن تا کولسیان ۳: ۲۳ را بیاد آورم.
در نام عیسی. آمین



هر کاری را از جان و دل انجام دهید، درست مانند اینکه برای مسیح کار می کنید، نه برای ارباب تان. (کولسیان ۳: ۲۳)



خدا به افراد تنبل می گوید که به تماشای مورچه ها بپردازند، واقعا! هیچ کس به مورچه ها نمی گوید: "این کار را انجام بده!" یا "به آنجا برو". مورچه کاری را که می باید انجام دهد، انجام می دهد. چون آنها در تمام مدت تابستان کار می کنند، در زمستان غذای مورد نیاز خود را دارند. هیچ کس به مورچه ها نمی گوید: "خسته نباشید!" یا "اجازه بدهید به شما حقوق بدهم!" مورچه ها حتی وقتی کسی به ایشان توجهی ندارند، کار می کنند و کار می کنند. کتاب مقدس می گوید: "ای آدم های تنبل، زندگی مورچه ها را مشاهده کنید و درس عبرت بگیرید" (امثال ۶: ۶). وقتی سخت کوش هستید، شاید برای کار سخت تان هیچ پولی دریافت نکنید. شاید حتی مردم متوجه شما نشوند. اما خدا از این موضوع آگاه است! بیاد آورید که هر کاری را انجام می دهید، برای خداوند انجام می دهید. وقتی کارتان را با تمامی دل و رغبت کامل انجام می دهید، خدا خشنود می شود. او نیازهای شما را بر طرف می سازد. با کوشا بودن می توانید مسیحی بهتری باشید. آیات کتاب مقدسی جدیدی را یاد بگیرید. آیاتی را که از قبل می دانستید، مرور کنید. هر روز کلام خدا را بخوانید. برای دعا کردن زمان صرف کنید. منتظر نباشید تا کسی به شما بگوید که این کارها را انجام دهید. کوشا باشید و آن را انجام دهید. افراد کوشا کارهایی را که می باید انجام شوند، می بینند و آنها را انجام می دهند. به یاد آورید این درست همان کاری است که مورچه ها انجام می دهند!

چرا خدا به ما می گوید که به مطالعه مورچه ها بپردازیم؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا در هر کاری که امروز انجام می دهم، کوشا باشم. به من کمک کن تا برای خشنودی تو با تمامی دل خود کار کنم. در نام عیسی. آمین.



چرا انجام انتخاب درست مهم است؟

امروز تصمیم خود را بگیرید. آیا می خواهید از خداوند پیروی کنید یا از بت هایی که اجداد شما در آنسوی فرات می پرستیدند و یا از بت های آموری هایی که در سرزمین شان ساکنید؟ ولی این را بدانید که من و خانواده ام از خداوند پیروی خواهیم کرد. (یوشع ۲۴: ۱۵)



معلم پریسا پرسید: “چند برادر و خواهر داری؟” پریسا گفت: سه تا. اما در ذهن خود فکر کرد یکی از خواهرانم، خواهر ناتنی من است. مادر پریسا قبلاً یکبار ازدواج کرده بود و این ازدواج دوم او بود.

پریسا می خواست برای ازدواج خود درست تصمیم بگیرد. پریسا خداوند عیسی را دوست دارد. او می خواهد زندگیش پر از تصمیمات درست باشد. او می خواهد خداوند به او کمک کند تا تصمیمات درستی اتخاذ کند. پریسا مصمم است تا خدا به او نشان دهد با کدام پسر ازدواج کند. او می خواهد به همراه شوهرش خداوند را خدمت نماید.

اتخاذ انتخاب درست، یعنی اطاعت کردن از کلام خدا. شما هر روزه چندین بار باید انتخاب انجام دهید:

آیا از مادرم اطاعت خواهم کرد؟ آیا کتاب مقدس را خواهم خواند؟ آیا در مدرسه سخت تلاش خواهم کرد؟ آیا حقیقت را خواهم گفت؟

انتخاب های اشتباه باعث اندوه شما و گاهی باعث وحشت شما می شود. انتخاب های اشتباه باعث دلسردی خدا می شود.

هر روز انتخاب های درست انجام دهید. این مساله کمک می کند تا برای انتخاب های بسیار مهم در طول زندگی تان آماده شوید، انتخاب هایی مثل: “با چه کسی ازدواج کنم؟” تمام انتخاب های اشتباه، باعث درد سر برای شما و دیگران می شود. پریسا می تواند به شما بگوید که این موضوع درست است.

چرا مهم است برای ازدواج، شخص مناسب را انتخاب کنید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، امروز برای انتخاب های صحیح و همچنین تصمیمات مهمی که در آینده پیش رو دارم، به کمک تو نیاز دارم. در نام عیسی. آمین





چگونه می توانم از اتخاذ تصمیمات اشتباه خود داری کنم؟

امروز تصمیم خود را بگیرید. آیا می خواهید از خداوند پیروی کنید یا از بت هایی که اجداد شما در آنسوی فرات می پرستیدند و یا از بت های اموری ها بی که در سرزمین شان ساکنید؟ ولی این را بدانید که من و خانواده ام از خداوند پیروی خواهیم کرد. (یوشع ۲۴: ۱۵)



فرض کنید لازم است تصمیمی بگیرید. می توانید از خود پرسید: "آیا باید این برنامه تلویزیونی را تماشا کنم؟"

اگر خدا تصمیم (انتخاب) شما را دوست دارد، چراغ مخصوصی سبز می شود. برو! اگر نه، چراغ قرمز می شود. توقف کن! این خیلی عالی است. "آیا باید ساسان را به منزل مان دعوت کنم؟" سبز! "آیا باید این برنامه اینترنتی را ببینم؟" قرمز! آیا باید اسفناج بخورم؟ قرمز، شاید هم سبز! بعضی از تصمیمات بسیار مهم هستند: "چه کسی را باید به عنوان دوست انتخاب کنم؟ وقتی دیگران مرا مسخره می کنند، چگونه باید عکس العمل نشان بدهم؟" توجه کردن به کلام خدا و تصمیم اطاعت از آن، هر بار به شما کمک خواهد کرد تا انتخاب درست را انجام دهید. وقتی نمی دانید که خدا از شما می خواهد چه کاری انجام دهید، از مسیحی خدا شناسی بخواهید تا به شما کمک کند. شخص خدا شناس کتاب مقدس را خوانده و از آن اطاعت می کند، او دعا می کند و به کلیسا می رود. او درباره عیسی مسیح خداوند با دیگران صحبت می کند. او برای خشنود کردن خدا زندگی می کند. هیچ چراغ راهنمایی وجود ندارد که انتخاب درست را به شما نشان دهد، اما خدا روح القدس را به شما داده که درون شما زندگی می کند. روح القدس افکارتان را هدایت می کند و به شما کمک می نماید تا انتخاب های درستی بکنید. وقتی خدا به شما نشان می دهد چه کاری را انجام دهید، مطمئن شوید که از او اطاعت می نمایید. اگر بدانید که چه کاری می بایستی انجام دهید و تصمیم بگیرید آن را انجام ندهید، انتخاب بسیار بدی می کنید.

سه کاری که می توانید انجام دهید تا به شما کمک کند که انتخاب های درست بکنید را ذکر کنید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا کلامت را بخوانم و به روح القدس گوش فرا دهم تا انتخاب های غلطی نکنم. در نام عیسی. آمین



اگر انتخاب های غلط انجام بدهم، آنوقت چه می شود؟

امروز تصمیم خود را بگیرید. آیا می خواهید از خداوند پیروی کنید یا از بت هایی که اجداد شما در آنسوی فرات می پرستیدند و یا از بت های آموری ها یی که در سرزمین شان ساکنید؟ ولی این را بدانید که من و خانواده ام از خداوند پیروی خواهیم کرد. (یوشع ۲۴: ۱۵)



بعضی وقت ها انتخاب های غلط، به اشتباه صورت می گیرد. بعضی وقت ها انتخاب های غلط، عمدی است. داوود پادشاه عمدا انتخاب غلطی انجام داد.

او می خواست با بنشبع ازدواج کند. بنشبع قبلا از دواج کرده بود و شوهر داشت. داوود به سردار سپاهش گفت تا شوهر بنشبع را در خط مقدم میدان جنگ قرار دهد تا کشته شود.

سپس داوود با بنشبع ازدواج کرد. شاید داوود فکر کرد می تواند از مجازات گناهش فرار کند.

ناتان که یکی از انبیا خدا بود، می دانست که داوود چه کاری کرده است، او به داوود نشان داد که گناهش بسیار بد و ناپسند بود. داوود گناهش را به خدا اعتراف کرد.

خدا داوود را بخشید و نیز او را تنبیه کرد. اولین نوزاد داوود و بنشبع، مرد. وقتی انتخاب می کنید که کار اشتباهی انجام دهید، فکر نکنید که هیچ اتفاقی رخ نمی دهد و با خود بگویید: گناه را به خدا اعتراف می کنم. او مرا می بخشد.

اتفاقات ناگوار به خاطر گناه هم رخ می دهد. وقتی از والدین یا معلم تان سرپیچی می کنید، ممکن است که در اتاق تان بمانید و بازی مهمی را از دست بدهید.

گناه شانس شما را از بین می برد که با مردم درباره عیسی صحبت کنید، چون مردم سخنان شما را باور نمی کنند.

فکر نکنید که می توانید عمدا گناه کنید و از مجازات آن فرار کنید. گناه تان را به خدا اعتراف کنید و کار درست را انجام دهید.

اگر انتخاب کنید کار اشتباهی انجام دهید، چه اتفاقی رخ می دهد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که به من یادآوری کردی که انتخاب های اشتباه زندگی، مرا به درد سر می اندازد. به من کمک کن تا انتخاب های درست انجام بدهم. در نام عیسی. آمین



به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد میدهم گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن، زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر زبان کار پسندیده ای است. (امثال ۱۷:۲۲)



یوآش ۷ ساله بود که پادشاه شد. وقتی که او تاجگذاری کرد، مردم گفتند: “... پادشاه زنده بماند” (دوم پادشاهان ۱۱: ۱۲).

یوآش کوچک چگونه می توانست بداند که برای رهبری مردم چه بگوید و چه کاری انجام دهد؟ چه فشار عظیمی!

او به کمک افراد حکیمی که خدا را دوست داشتند، نیاز داشت. شما پادشاه یک کشور نیستید، اما شما نیز فشار زیادی را در زندگی متحمل می شوید.

چگونه می توانید بدانید که چه بگویید؟ چگونه می توانید بدانید که چه کاری را انجام دهید؟ شما نیز مانند یوآش به مشاوره خدا پسندانه نیاز دارید.

مشاوره خدایسندانه برای دانستن آنچه که باید انجام دهید، از طرف افرادی به شما داده می شود که کلام خدا را بهتر از شما می دانند.

در امثال ۲۲: ۱۷ خدا می گوید: “به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد می دهم، گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن.”

شناختن افرادی که عیسی مسیح خداوند را دوست دارند، هدیه ای عالی از طرف خداست. ممکن است خدا به شما والدین، معلمان، کشیشان، معلمان کانون شادی و دیگر مسیحیان را بدهد تا شما را تعلیم دهند.

کتاب هایی توسط افراد خدا شناس نوشته شده است که می تواند به شما کمک کند تا بدانید چه کاری انجام دهید.

چون یوآش به مشاوران خدا شناس خود گوش داد، پادشاه حکیمی شد.

آیا شما نیز به افرادی که می توانند کمک کنند حکیم شوید، گوش فرا می دهید؟

چند نفر از کسانی که می توانند به شما مشاوره های خدا پسندانه ای بدهند را نام ببرید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا به مشورت های خدا پسندانه گوش دهم و شخص حکیمی بشوم. در نام عیسی. آمین





چرا مشاوره خوب مهم است؟

به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد میدهم گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن، زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر زبان کار پسندیده ای است. (امثال ۱۷:۲۲)



خدا موسی را انتخاب کرد تا یک رهبر باشد. مردم می دانستند که خدا با موسی صحبت می کند. بنابراین وقتی مشکلی یا سوالی داشتند برای مشورت نمودن به نزد موسی می رفتند. روزها یکی پس از دیگری مردم از صبح تا غروب در صف می ایستادند تا به نوبت با او صحبت کنند. موسی از این کار خسته می شد.

(یترون) پدر زن موسی به او گفت که او به تنهایی نمی تواند از عهده انجام این کار برآید. یترون گفت: “... من به ایشان مشورت خواهم داد...” (خروج ۱۸: ۱۹).

او به موسی گفت که موسی مردان خدا شناس دیگری را تعیین نماید تا به او در این کار کمک نمایند. موسی به توصیه نیکوی یترون گوش فرا داد و از آن پیروی کرد. اکنون با کمک مردان دیگر وظیفه موسی آسان تر شده بود. گوش دادن به آنچه مشاوران نیکو می گویند، کار عاقلانه ای است. آنها می توانند شما را از انجام اشتباهات باز دارند. ایشان می توانند چیزهایی را که شما در کتاب مقدس متوجه نمی شوید، برای تان توضیح دهند. آنها می توانند به شما کمک کنند تا انتخاب های درستی، مثلاً در انتخاب دوستان تان یا پیوستن به یک باشگاه داشته باشید. هر چند که روز به روز عاقلتر می شوید، اما همچنان چیزهایی وجود دارند که می توانید یاد بگیرید. موسی یک رهبر بود، اما همچنان به مشورت های نیکو نیاز داشت. امثال ۹:۹ می گوید: “اگر آدم دانا را نصیحت کنی، داناتر می شود و اگر به آدم درستکار تعلیم بدهی، علمش بیشتر می شود.”

به مطالعه کلام خدا ادامه دهید. از آنچه کتاب مقدس می گوید، اطاعت کنید. آنوقت روزی قادر خواهید بود تا مشاور خوبی برای دیگران باشید.

چند چیز که می توانید از یک مشاور خوب یاد بگیرید را ذکر کنید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر کسانی که می توانند به من مشورت نیکو بدهند، از تو سپاسگزارم. به من کمک کن تا به ایشان و کلام تو گوش فرا دهم. در نام عیسی. آمین





چگونه می توانیم مشاوره بد را از مشاوره خوب تشخیص بدهیم

به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد میدهم گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن، زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر زبان کار پسندیده ای است. (امثال ۲۲: ۱۷)



جواد و رضا در پارک نزدیک منزل شان دوچرخه سواری می کردند. مادر رضا به او گفته بود که هرگز برای دوچرخه سواری به خیابان های شلوغ شهر نرود. جواد از رضا خواست که برای دوچرخه سواری از پارک خارج شوند و به خیابان های شلوغ بروند.

رضا می خواست به همراه جواد برود، اما احساس می کرد که این کار اشتباه است، چون خدا در کتاب افسسیان ۱: ۶ به ما می گوید که از والدین مان اطاعت کنیم.

مشاوره بد مانند درخواست بد یک دوست، به شخص احساس خوبی نمی دهد. روح القدس که درون شما زندگی می کند به شما کمک می کند بدانید که آیا مشورتی که به شما داده می شود درست است یا اینکه اشتباه می باشد.

روح القدس چیزهایی را که از کلام خدا شنیده اید به شما یاد آوری می کند. مشورت خوب همواره با کلام خدا توافق دارد.

هر چقدر کلام خدا را بیشتر یاد بگیرید، برای شما آسانتر خواهد بود که مشورت بد را از مشورت خوب تمیز دهید.

شاید انجام کار درست همیشه هیجان انگیز نباشد. رضا این موضوع را می دانست. او مایل بود به همراه جواد برود، ولی تصمیم گرفت این کار را نکند و به خانه باز گردد.

آیا از خدا می خواهید به شما کمک کند که بدانید کار درست چیست و آن را انجام دهید؟

چگونه روح القدس به شما کمک می کند که تشخیص بدهید چه مشورتی نیکو و چه مشورتی بد است؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تشخیص دهم که آیا مشورتی که دیگران به من می دهند، خوب است یا بد. سپس به من کمک کن تا آنچه که درست است را انجام دهم. در نام عیسی. آمین



چرا مردم گله و شکایت می کنند؟

همیشه شاد باشید! پیوسته دعا کنید! برای هر پیشامدی خدا را شکر نمایید، زیرا این است خواست خدا برای شما که از آن عیسی مسیح هستند. (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸)



آیا تا به حال سخنانی مانند این گفته اید: “این تکلیف درسی مسخره است. نمی دانم چرا باید این تکلیف را انجام دهم.” “آیا دوباره این غذا را برای شام داریم.” “من از این غذا متنفرم.”

این کار را بکن! آن کار را بکن! چرا باید این همه کار انجام دهم؟” گله و شکایت! شکایت و شکایت! وقتی شکایت می کنید فراموش می کنید که خدا همه چیز را تحت کنترل خود دارد. فراموش می کنید که خدا شما را دوست دارد. فراموش می کنید خدا وعده داده است که هرآن چه را نیاز دارید، به شما بدهد. شکایت کردن نشان می دهد که خودخواه هستید.

شکایت کردن باعث می شود غمگین شوید و دیگران نمی خواهند در کنار شما باشند.

غیر ممکن است که هم شکایت کنید و هم خدا را خشنود سازید. چرا؟

چون خدا می گوید: “همیشه شاد باشید! پیوسته دعا کنید! برای هر پیشامدی خدا را شکر نمایید. زیرا این است خواست خدا برای شما که از آن عیسی مسیح هستید” (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸).

هر بار که وسوسه می شوید تا درباره غذا، تکالیف درسی، لباس، و وظایف تان یا هر چیز دیگری شکایت کنید، صبر کنید و ببینید آیا می توانید چیز خوبی به جای آن بگویید. خوشحال باشید که چیزی دارید تا بخورید. سپاسگزار باشید که سالم هستید و می توانید به مدرسه بروید، کارهای تان را انجام دهید یا بازی کنید. از خدا بخواهید به شما کمک کند تا سخنانی بگویید که نشان می دهد واقعا ایمان دارید که خدا نیکو است.

درباره چیزی که از آن گله و شکایت داشتید، اما در ادامه آن

موضوع به نفع شما تمام شده است، چند سطر بنویسید



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا از شکایت کردن خودداری نمایم و به جای آن سپاسگزار و متشکر باشم. در نام عیسی. آمین





خدا درباره شکایت کردن چگونه فکر می کند؟

همیشه شاد باشید! پیوسته دعا کنید! برای هر پیشامدی خدا را شکر نمایید، زیرا این است خواست خدا برای شما که از آن عیسی مسیح هستید. (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸)



وقتی موسی قوم خدا را رهبری می کرد، آنها دلایل زیادی برای سپاسگزاری داشتند. خدا دریای سرخ را شکافت و اجازه داد که قومش از روی زمین خشک به آنسوی دریا عبور کنند.

خدایا متشکریم! خدا هرروزه غذای عالی به نام من از آسمان به زمین می فرستاد. خدا یا سپاسگزاریم!

موسی با عصا به صخره ضربه زد و خدا آب کافی برای تمامی جمعیت از صخره جاری ساخت. خدایا سپاسگزاریم! این چیزی است که قوم باید مکررا می گفتند. آیا می دانید که آنها به جای تشکر چه کاری کردند؟ “ما آب بیشتری نیاز داریم! از خوردن من خسته شده ایم! ما به رهبر جدیدی نیاز داریم.”

آنها حتی از خدا نیز گله کردند. به خاطر این گناه، خدا مارهای سمی زیادی فرستاد تا آنها را مجازات کند.

مارها مردم را گزیدند! بسیاری از مردم مردند. موسی دعا کرد و خدا راهی برای ایشان فراهم ساخت تا گناه گله و شکایت آنها بخشیده شود (اعداد ۲۱: ۹-۵). کتاب مقدس در فیلیپیان ۲: ۱۴ می گوید که همه کارهای تان را بدون همهمه (گله و شکایت) انجام دهید.

توجه کنید کتاب مقدس می گوید، “همه کارها”. وقتی گله و شکایت می کنید، فراموش می کنید خدا وعده داده است که تمام چیزهایی را که نیاز دارید، به شما می دهد. خدا همه چیز را تحت کنترل دارد و شما را دوست دارد. شاد باشید، سپاسگزار باشید و از گله کردن خود داری نمایی!

چرا فکر می کنید شکایت کردن، گناه است؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا سپاسگزار باشم و از گله و شکایت نمودن، خودداری نمایم. در نام عیسی. آمین.



چگونه می توانم سپاسگزار باشم؟

همیشه شاد باشید! پیوسته دعا کنید! برای هر پیشامدی خدا را شکر نمایید، زیرا این است خواست خدا برای شما که از آن عیسی مسیح هستید. (اول تسالونیکیان ۵ : ۱۶- ۱۸)



آرزو فریاد زد: “من از لباس هایم متنفرم! پریسا پرسید: “لباس هایت چه اشکالی دارد؟ فکر می کنم لباس هایت همیشه زیبا بوده است.” آرزو به دوستش اخم کرد و ادعا کرد: “همه لباس هایم بسیار کهنه هستند! هرگز چیز تازه ای نداشته ام. فقط وقتی لباس های خواهرم برایش کوچک می شود، لباسهای کهنه او را می پوشم. می دانم که والدینم پول زیادی ندارند، اما من می خواهم مثل هر بقیه مردم لباس های نو داشته باشم!”

وقتی شما مانند آرزو درباره چیزی گله و شکایت می کنید، طوری رفتار می کنید که نشان می دهد خدا نمی داند چه کاری انجام می دهد. اینطوری فکر نکنید! برای لحظه ای صبر کنید و به خدا فکر کنید. به یاد بیاورید که خدا محبت است و شما را دوست دارد. خدا حکیم است و می داند چه چیزی برای شما بهترین است! خدا قدرتمند است و می تواند به شما کمک کند! برای تمام چیزهای مهمی که خدا برای تان انجام داده است، از خدا سپاسگزاری کنید. کتاب مقدس می گوید: “و پیوسته به جهت هر چیز خدا و پدر را به نام خداوند ماعیسی مسیح شکر کنید” (افسیان ۵ : ۲۰). به جای اینکه گله و شکایت کنید، برای خداوند سرود بخوانید. آیات اول تسالونیکیان ۵ : ۱۶- ۱۸ را به صورت شخصی بگویید: من پیوسته شادمان خواهم بود، همیشه دعا خواهم کرد و در هر امری شاکر خواهم بود، که این است اراده خدا در حق من در عیسی مسیح. هر گاه احساس کردید که می خواهید از وضعیت لباس های تان، خانواده تان، وضعیت آب و هوا، تکالیف مدرسه یا هر چیز دیگری گله و شکایت کنید، این کار را انجام دهید. اگر انتخاب کنید که سپاسگزار باشید، می توانید اینگونه رفتار کنید.

چگونه می توانید به خاطر بسپارید که به جای گله و شکایت نمودن، در عوض سپاسگزار باشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، امروز به من کمک کن تا به جای شکایت کردن، سپاسگزار باشم. در نام عیسی. آمین





شایعه چیست؟

هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید. بلکه آنچه به حسب حاجت و برای بنا نیکو باشد. تا شنوندگان را فیض رساند.
(افسسیان 4: 29)



آرزو ناهار مدرسه اش را به سمت میزی که نگین بر روی آن نشسته بود. می برد. همین که آرزو نشست. صدای خود را پایین آورد و نجوا کنان گفت: “آیا شنیده ای که مریم نمره بدی در امتحان ریاضی گرفته است؟”
نگین نجوا کنان جواب داد: “آیا واقعا نمره بدی گرفته است؟ من فکر می کردم مریم دختر باهوشی است.”

آرزو گفت: “او تنبل است. ببین! مریم به این سمت می آید! امروز موهایش بسیار به هم ریخته است.” نگین اضافه کرد: “و بلوز صورتی زشتی پوشیده است.”
آیا به نظر می آید که این سخنان باعث بنا شدن مریم می شود؟ نه! افسسیان 4: 29
این سخنان را “سخنان بد” می نامد. اینها شایعه می باشند.
شما هرگز نباید شایعه پراکنی نمایید. شایعه. گفتن سخنان نامهربان (و اغلب نادرست) درباره دیگران است.

شایعه یا غیبت کردن. گناه است. وقتی می شنوید که دیگران در حال غیبت کردن درباره شخصی می باشند. می توانید آنها را از این کار باز دارید.
برای مثال وقتی آرزو درباره نمره بد مریم با شما صحبت می کند. می توانید بگویید: “چه کاری می توانیم انجام دهیم تا به مریم در امتحان بعدی اش کمک کنیم؟”
وقتی شخصی سخنان ظالمانه ای درباره دیگران می گوید. شما می توانید بگویید: “درست نیست که اینطوری حرف بزنیم.”

آنوقت موضوع صحبت را عوض کنید. هر کاری که می توانید انجام دهید تا جلوی شایعه و غیبت کردن را بگیرید.

چرا فکر می کنید خدا شایعه پراکنی (غیبت کردن) را گناه می خواند؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز. لطفاً به من کمک کن تا درباره دیگران شایعه پراکنی نکنم.
کمک کن تا همواره سخنانی بگویم که باعث بنای دیگران می شود.
در نام عیسی. آمین



غیبت کردن چه عواقبی به دنبال دارد؟

هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید. بلکه آنچه به حسب حاجت و برای بنا نیکو باشد. تا شنوندگان را فیض رساند.
(افسسیان 4: 29)



جمشید و قاسم تا تابستان سال پیش دوستان بسیار نزدیکی بودند. جمشید عضو یک تیم فوتبال شد. ولی قاسم نتوانست عضو آن تیم شود. قاسم به خاطر این موضوع ناراحت بود و نسبت به جمشید حسودی می کرد. بنابراین او سخنانی به دیگران گفت که هرگز نباید آنها را عنوان می کرد. قاسم به رضا گفت: “تنها دلیلی که جمشید عضو این تیم شده، این است که پدرش با مربی آن تیم دوست است.” او به سارا گفت: “جمشید این تیم فوتبال را نابود خواهد کرد. او خیلی چاق است و نمی تواند سریع بدود.”

به زودی جمشید آنچه را که قاسم درباره او می گفت، شنید. حالا جمشید از دست قاسم عصبانی و ناراحت بود. دیگر جمشید و قاسم دوستان خوبی برای یکدیگر نبودند. کتاب مقدس در امثال 16: 28 می گوید: “آدم سخن چین بهترین دوستان را از هم جدا می کند.” کسانی که شایعه پراکنی می کنند، رازهای تان را برای دیگران بازگو می کنند. قاسم به جمشید گفت که چون نتوانسته بود عضو تیم شود، بسیار ناراحت بوده و گریه می کرده است. آیا جمشید می بایست درباره این موضوع با دیگران صحبت می کرد؟ نه! امثال 11: 13 می گوید: “خبر چین هر جا می رود، اسرار دیگران را فاش می کند. ولی شخص امین اسرار را در دل خود مخفی نگه می دارد.”

وقتی غیبت کردن و سخن چینی می کنید، خدا سخنان تان را می شنود. او می داند که شما چه آسیبی به دیگران می رسانید. یکروز خدا از شما می پرسد: “چرا آن حرف ها را زدید؟” خدا در متی 12: 36 می گوید: “این را نیز به شما بگویم که برای هر سخن بیهوده، باید در روز داوری به خدا جواب بدهید.”

این آیه را به خاطر بسپارید. دیگر شایعه پراکنی و غیبت نخواهید کرد. شایعه پراکنی یا غیبت کردن چگونه می تواند به دوستی شما



لطمه وارد کند؟

می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا همواره مراقب کلماتی باشم که می گویم و به خاطر من بیاور که آنچه را که می گویم، همیشه می شنوی.

در نام عیسی، آمین





چگونه می توانم باعث بنای دیگران شوم؟

هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه به حسب حاجت و برای بنا نیکو باشد، تا شنوندگان را فیض رساند.
(افسیسیان ۴: ۲۹)



آیا می دانید اسم شما به چه معناست؟ مردی در کتاب مقدس بود که نامی با مفهوم بسیار مخصوصی داشت. نام او بارناباس بود، به معنای "پسر تشویق".
آیا این اسم یک اسم خوب نیست؟ کتاب مقدس به ما می گوید که بارناباس دقیقاً کاری را انجام می داد که معنای اسمش بود- او با تشویق دیگران باعث بنا شدن آنها می شد. ما بارناباس را در عهد جدید ملاقات می کنیم، درست پس از اینکه شائول (که بعداً پولس نامیده شد) مسیحی شد.
مردم از شائول می ترسیدند. در اعمال ۹: ۲۶-۲۷ یاد می گیریم که بارناباس شائول را به نزد دیگر ایمانداران می برد و به ایشان می گوید که اکنون شائول یک مسیحی است و نیازی نیست که از او بترسند.
وقتی پولس و بارناباس با هم سفر می کردند، بارناباس پولس را تشویق می کرد. بارناباس مردم را تشویق می کرد تا به کلام خدا گوش دهند و آن را باور کنند. بارناباس مردم را تشویق می کرد تا برای خدا زندگی کنند. آیا شما نیز مانند بارناباس دیگران را تشویق می کنید؟ شما نیز می توانید مانند او باشید! دیگران را با گفتن حرف هایی مثل جملات پایین تشویق کنید: "کارت خیلی عالی بود!" "متشکرم که اینقدر سخت کوش هستی!" "خیلی مایلم که به گروه تو ملحق شوم!" "خدا تو را دوست دارد، من نیز تو را دوست دارم." "خوشحالم که تو را می شناسم!" "تو دوست بسیار خوبی هستی!" "عیسی مسیح، خداوند زنده در بارناباس به او کمک می کرد تا باعث بنای دیگران شود. او میتواند این کار را برای شما نیز انجام دهد!

امروز برای اینکه کسی را بنا کنید، چه چیزی می توانید بگویید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا با تشویق دیگران باعث بنای ایشان شوم.
در نام عیسی. آمین



بیهوده به کار بردن نام خداوند، به چه مفهوم است؟

نام بیهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد. (خروج ۲۰: ۷)



ابرهای طوفانی آسمان را پر می کند. هوا تاریک و تاریکتر می شود. باد حقیقتاً به شدت می وزد. از پنجره به بیرون نگاه می کنید. ناگهان توده ای ابر را می بینید که با سرعت به دور خود می پیچد.

فریاد می زنید: “آه خدایا، گردباد!” اما وقتی کلمه “خدایا” را می گوئید حتی به خدای زنده و حقیقی نیز فکر نمی کنید. شما با کسی که قدرت دارد طوفان ها را ایجاد کند یا آنها را متوقف سازد، صحبت نمی کنید. شما نام خدا را بیهوده به کار می برید. شاید در حال تماشای یک برنامه تلویزیونی هستید.

در یک خانواده مشاجره شده است، ناگهان یکی از آنها با عصبانیت کلمه عیسی مسیح را فریاد می زند. در اینجا نام عیسی مسیح با احترام و محبت گفته نشده است. از نام عیسی مسیح استفاده نشده است تا کسانی که بیننده برنامه هستند به نجات دهنده شگفت انگیز و عظیم ما بیاندیشند.

این شخص نام خداوند را بیهوده به کار می برد.

وقتی کلمات “خدا”، “خداوند” و “عیسی مسیح” را به عنوان کلمات بی معنا یا حتی کلماتی که در عصبانیت گفته می شوند، به کار می برید، نام خداوند را بیهوده استفاده کرده اید. خدا واقعی است!

خدای پسر، عیسی مسیح خداوند، برای ما رنج کشید و مرد. اکنون عیسی زنده است! خیلی خیلی اشتباه است که نام های خدا را فقط به عنوان کلمات معمولی به کار ببریم. هرگاه می شنوید که شخصی این کار را انجام میدهد، باید ناراحت شوید.

چرا اشتباه است که نام خدا را بیهوده به کار ببریم؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، نام تو عظیم و شگفت انگیز است. به من کمک کن تا به نام تو احترام بگذارم و هرگز آن را به باطل به زبان نیاورم. در نام عیسی.

آمین



نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد. (خروج ۲۰: ۷)



کتاب مقدس حرف های زیادی درباره سخن گفتن دارد. آیات این صفحه را با دقت بخوانید. این آیات را بیش از یک بار بخوانید. “جواب ملایم خشم را فرو می نشاند، اما جواب تند آن را بر می انگیزاند” (امثال ۱۵: ۱).

“هستند کسانی که با حرف های نسنجیده خود زخم زبان می زنند، ولی سخنان مرد دانا تسکین دهنده و شفا بخش است” (امثال ۱۲: ۱۸). “از دهان مان هم برکت جاری می شود، هم لعنت. برادران عزیز نباید چنین باشد” (یعقوب ۳: ۱۰). “هر که زبان خود را نگاه دارد، جان خود را حفظ می کند، اما کسی که نسنجیده سخن می گوید، خود را هلاک خواهد کرد” (امثال ۱۳: ۳). “هر که خود را مسیحی می داند، اما نمی تواند بر زبان تند خود مسلط باشد، خود را گول می زند و مذهب او پیشیزی ارزش ندارد” (یعقوب ۱: ۲۶).

کلمات قدرت دارند. دهان شما می تواند خدا را بستاید، یا نام او را به باطل ببرد. چیزی که می گوئید، می تواند باعث رنجش مردم شود یا به ایشان کمک کند. کلماتی که به کار می برید، می تواند به دیگران بگوید که چگونه می توانند مسیحی شوند. مردم به آنچه که می گوئید گوش می دهند. وقتی به عنوان مسیحی نام خدا را به باطل به کار می برید، مردم این کار شما را فراموش نمی کنند. شاید وقتی سعی می کنید به آنها بگوئید که عیسی خداوند می خواهد نجات دهنده ایشان باشد، هرگز سخن شما را باور نکنند.

شاید منصفانه به نظر نیاید، اما مردم چیزهای بدی را که می گوئید، برای مدت بیشتری از سخنان خوب تان به خاطر خواهند سپرد. بنابراین مراقب سخنان تان باشید. چرا سخنان شما برای خدا اهمیت دارد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا بیاد آورم که سخنانم می تواند موجب رنجش مردم یا کمک کردن به آنها بشود. به من کمک کن تا فقط سخنانی را که باعث خشنودی تو می شود، به زبان آورم. در نام عیسی. آمین



چگونه می توانم لب هایی “حکیم” داشته باشم؟

نام یهوه، خدای خود را به باطل میر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد. (خروج ۲۰: ۷)



سارا دوست دارد زیاد صحبت کند! او درباره آنچه که دیروز انجام داد و آنچه که فردا انجام خواهد داد، صحبت می کند. او در باره مردم و مکان ها صحبت می کند. او درباره ورزش، تکالیف مدرسه اش، کامپیوترش، برنامه های تلویزیونی، کلیسا و تعطیلات و چیزهایی که دوست دارد و چیزهایی که دوست ندارد، صحبت می کند. آیا افرادی که اینقدر زیاد صحبت می کنند، لب هایی حکیم دارند؟ امثال ۱۰: ۱۹ می گوید: “پر حرفی انسان را به سوی گناه می کشاند، عاقل کسی است که زبانش را کنترل کند.”

کنترل کردن زبان، به مفهوم ساکت ماندن است. چرا خدا می گوید باید زبان خود را کنترل کنید؟ چون هر وقت صحبت می کنید، ممکن است چیزی بگویید که دروغ، بی محبت یا بی اهمیت باشد. همچنین وقتی خیلی صحبت می کنید، ممکن است مردم از گوش دادن به شما خود داری کنند. کتاب مقدس می گوید: “برای حرف زدن عجله نکن و سخنان نسنجیده در حضور خداوند بر زبان نیاور ...” (جامعه ۵: ۲). ملکه استر می خواست با پادشاه صحبت کند. او طرحتی داشت تا قوم خدا را از کشتار نجات دهد (استر ۴-۵). او می بایستی فکر و دعا می کرد تا دقیقا سخنان درست را بگوید. او لب های “خردمند” داشت. چگونه می توانید لب هایی خردمند داشته باشید؟ “کتاب مقدس می گوید: “ای خداوند تو مراقب سخنان من باش و زبانت را ننگه دار” (مزمیر ۱۴۱: ۳). مواظب آنچه می گویید باشید. از سخنان خود برای کمک کردن به دیگران استفاده کنید. نام خدا را به درستی به کار ببرید. این نکته را به خاطر بسپارید: بیشتر دعا کنید! بیشتر گوش دهید! کمتر صحبت کنید!

چطور گوش دادن به جای حرف زدن به شما کمک می کند تا لب های “حکیم” داشته باشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا بدانم چه وقت صحبت کنم و چه وقت ساکت بمانم. می خواهم لب هایی “حکیم” داشته باشم. در نام عیسی. آمین





وفادار بودن به چه معنا است؟

مرد امین برکت بسیار خواهد یافت (امثال ۲۸: ۲۰)



نعومی به همراه شوهر و دو پسرش خانه خود در بیت لحم را ترک گفته و به موآب رفتند. زمانی که در موآب زندگی می کردند، شوهر نعومی مرد. پسران او با دو دختر به نام های عرفه و روت ازدواج کردند. سپس هر دو پسر نعومی نیز مردند. می بایستی چه زمان سختی برای نعومی بوده باشد. نعومی تصمیم گرفت به بیت لحم باز گردد. روت و عرفه خواستند که با او بروند. نعومی به دو عروس خود گفت که به نزد خانواده های شان برگردند (روت ۱: ۶-۱۴).

عرفه به نزد خانواده اش رفت، اما روت گفت: “بر من اصرار مکن که تو را ترک کنم و از نزد تو برگردم، زیرا هر جایی که بروی، می آیم و هر جا منزل کنی، منزل می کنم. قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود” (روت ۱: ۱۶). روت به نعومی و خدای او امین و وفادار بود. امین بودن، یعنی وفادار بودن به کسانی که شایسته محبت و حمایت شما هستند.

مسیحیان پیش از هر چیزی می باید به خدا وفادار باشند. همچنین می باید نسبت به خانواده و دوستان خود وفادار بمانید، مگر اینکه آنها انتخاب کنند که مکررا از خدا سرپیچی نمایند. وقتی به کسی وفادار هستید، در مقابل بی رحمی اشخاص دیگر نسبت به او، ساکت نمی مانید و به هوا خواهی دوست خود بر می خیزید. حرف های نیکو درباره او می گوئید. وقتی در مشکل است، به او کمک می کنید. این همان کاری است که روت انجام داد. روت به خاطر وفاداریش، برکت عظیمی دریافت کرد. آیا شما نیز از نمونه شگفت انگیز روت پیروی می کنید؟

چگونه می توانید این هفته وفاداری خود را به دوست تان نشان دهید



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا به خانواده و دوستانم وفادار بمانم. بیشتر از هر چیزی به من کمک کن تا به تو وفادار بمانم.
در نام عیسی. آمین



چگونه می توانم به خدا وفادار بمانم؟

مرد امین برکت بسیار خواهد یافت (امثال ۲۸ : ۲۰)



نادر مسیحی بود. او می خواست به خدا وفادار بماند. منصور در مدرسه درست پشت سر او می نشست. او نوک مداد را در دست نادر فرو کرد و به آرامی نجوا کرد: “عصبانی نشو نادر. اگر مسیحی هستی مرا خواهی بخشید!” بعد دوباره مداد را در دست نادر فرو کرد و خندید. اگر کسی مثل منصور شما را به خاطر اینکه مسیحی هستید، مسخره کند چه کاری انجام خواهید داد؟ در این موقعیت وفادار ماندن به خدا به نیروی بزرگتری از نیروی خودتان نیاز دارید. خدا می تواند به ما قدرت ببخشد.

“و به لطف خود ما را به هنگام نیاز یاری می فرماید” (عبرانیان ۴ : ۱۶).

مسیحیان وفادار هر روز کتاب مقدس می خوانند و دعا می کنند. آنها وفادارانه به کلیسا می روند. وقتی با دیگر مسیحیان وقت صرف می کنید، وفادار ماندن به خدا آسانتر است.

دوستان مسیحی به یکدیگر کمک می کنند تا برای خدا زندگی کنند. محک (آزمایش) حقیقی وفاداری شما به خدا، اطاعت شما از خدا می باشد.

اگر دوستان نزدیک تان خدا را دوست نداشته باشند و او را خدمت نکنند، وفادار ماندن به خدا برای تان دشوار خواهد بود. به این دلیل بود که نادر منصور را به عنوان دوست نزدیک خود انتخاب نکرده بود.

اما نادر و دوستانش برای منصور دعا می کردند. این کار باعث خشنودی خدا می شود. با تمامی دل خود به خدا وفادار بمانید و از او اطاعت کنید.

چگونه می توانید به خدا نشان دهید که به او وفادار هستید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که مرا دوست داری. حتی وقتی وفادار ماندن به تو دشوار است، می خواهم به تو وفادار بمانم. در نام عیسی. آمین





چرا وفادار ماندن مهم است؟

مرد امین برکت بسیار خواهد یافت (امثال ۲۸: ۲۰)



وقتی می دانید که باید کاری را انجام دهید، ولی دوست ندارید آن را انجام دهید، به خودتان چه می گوئید؟
 “بسیار خسته ام!” “یا می خواهم کار دیگری انجام دهم” یا “این کار درستی است که باید انجام شود و خدا به من کمک خواهد کرد تا آن را انجام دهم!”
 وقتی جمله ای شبیه جمله آخر را به خود می گوئید، یاد می گیرید که به خدا وفادار باشید. وفاداری به این معنا است که در افکار، سخنان و اعمال تان نسبت به خدا در جایگاه درستی بمانید.

امثال ۲۸: ۲۰ چه می گوید؟

وفادار ماندن به خدا برکت و خوشی او را وارد زندگی شما می سازد!
 وقتی می گوئید مسیحی هستید، اما به خدا وفادار نیستید، مردم به شما اعتماد نمی کنند. آنها نمی خواهند مانند شما باشند. آنها نمی خواهند چیزهای مهمی که باید درباره خدا به ایشان بگوئید را بشنوند.

وقتی وفادار هستید، مردم می توانند ببینند که خدا تغییری را در زندگی شما ایجاد کرده است. پول تان را خردمندانه مصرف می کنید.

وقت تان را برای کمک کردن به دیگران به کار می برید. کتاب مقدس می خوانید و به کلیسا می روید. از استعدادتان (کارهایی را که به خوبی انجام می دهید) برای خدمت کردن به خدا استفاده می کنید. وقتی انتخاب می کنید از خدا اطاعت کنید، خوشی عظیمی نصیب شما می شود. وقتی به خدا اعتماد می کنید تا به شما کمک کند وفادار بمانید، برکت بسیار خواهید یافت. خدا اینرا می گوید.

چرا گاهی دشوار است که وفادار بمانید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا وفادارانه از پول، وقت و استعداد خود استفاده کرده، تو را خدمت نمایم. می خواهم شخصی باشم که دیگران به من تکیه کنند. در نام عیسی. آمین





خدا درباره احترام گذاشتن به زندگی انسان ها چه می گوید؟

تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹ : ۱۴)



آیا تا به حال کسی به شما گفته است که شبیه پدرتان هستید، یا اینکه لبخند مادر تان را دارید؟

چرا چنین چیزی وجود دارد؟ شما با بعضی از صفات و مشخصات به دنیا آمده اید که شما را شبیه والدین تان می سازد.

همانطوری که در اعضای یک خانواده شباهت هایی وجود دارد، خدای خالق نیز تمام انسان ها را به شباهت خود آفریده است. کتاب مقدس می گوید: “خدا انسان را همشکل خود آفرید....” (پیدایش ۱ : ۲۷).

چگونه همشکل خدا آفریده شده اید؟ شما دارای شخصیت هستید. شما می توانید درباره امور مختلف فکر کنید. شما می توانید احساساتی مانند خوشی یا غم را درک کنید.

شما می توانید انتخاب کنید. خدا به شما جانی (روح) داده است که تا ابد زندگی می کند. اینها چند نمونه از شباهت های شگفت انگیزی است که خدا شما را بدین صورت آفریده است. خدا تمام هستی را آفرید، اما فقط انسان همشکل او آفریده شد. تمامی خلقت برای خدا مهم و ارزشمند است، اما چون شما همشکل خدا آفریده شده اید، ارزش ویژه ای برای او دارید.

هیچ حیوان یا گیاه دیگری مثل شما همشکل او آفریده نشده است. در کتاب مقدس خدا دستور می دهد: “قتل مکن” (خروج ۲۰ : ۱۳).

زندگی هر انسانی برای خدا مهم است. هیچ کس حق ندارد زندگی شخص دیگری را بگیرد. خدا می خواهد شما با احترام گذاشتن به حیات انسانی و محافظت کردن از آن، او را جلال بدهید.

چرا خدا از شما می خواهد که به حیات احترام بگذارید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که مرا همشکل خود آفریدی. به من کمک کن تا به زندگی خود و زندگی دیگران احترام بگذارم.
در نام عیسی. آمین





مردم چگونه در کتاب مقدس به زندگی انسان ها احترام می گذاشتند؟

تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹: ۱۴)



“... از این پس هر نوزاد پسر اسرائیلی را در رود نیل بیندازید، اما دختران را زنده نگهدارید” (خروج ۱: ۲۲). فرعون عصبانی، پادشاه اسرائیل این دستور را صادر کرد.

دو پرستار اسرائیلی از حضور فرعون فرار کردند. آنها دستور فرعون را فهمیده بودند. فرعون می ترسید که اسرائیلی ها به دشمنان مصر بپیوندند و علیه مصر وارد جنگ شوند.

به این دلیل بود که او می خواست نوزادان پسر کشته شوند. فرعون هیچ احترامی برای زندگی انسان ها قائل نبود، اما این دو پرستار به زندگی انسان ها اهمیت می دادند. آنها از زندگی نوزادان پسر محافظت می کردند. زندگی تمامی انسان ها برای خدا مهم است. زندگی از چه زمانی آغاز می شود؟ زندگی از زمانی آغاز می شود که خدا شکل گیری نوزاد در رحم مادر را آغاز می کند.

خدا برای نوزادانی که هنوز متولد نشده اند نیز ارزش قائل است. کتاب مقدس می گوید که خدا تمامی جزئیات بدن نوزادان را حتی پیش از اینکه به دنیا بیایند، فرم می دهد (مزامیر ۱۳۹: ۱۳). وقتی که یک کسی جنینی را سقط (کشتن نوزاد پیش از تولد یا هنگام تولد) می کند، در حقیقت موجود زنده ای را که خدا آفریده است، می کشد. تنها خدا حق دارد زندگی بدهد و آن را بازپس گیرد. رهبران بسیاری از کشورها، قوانینی را وضع کرده اند که اجازه می دهد نوزادانی که هنوز به دنیا نیامده اند، کشته شوند. دعا کنید تا آنها بخواهند که به زندگی انسان ها احترام گذاشته و از آن محافظت نمایند.

یک دعای شکر گزاری بنویسید که در آن از خدا به خاطر زندگی که به شما داده است، سپاسگزاری می کنید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که مرا آفریده ای. لطفاً به من کمک کن تا به زندگی انسان ها احترام گذاشته و از آن محافظت نمایم.
در نام عیسی. آمین





چگونه می توانم به زندگی احترام بگذارم؟

تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹ : ۱۴)



آیا از بازی های ویدئویی لذت می برید؟ بعضی از این بازی ها بسیار جالب و سرگرم کننده هستند، اما تعدادی از آنها نیز خشونت آمیز هستند. این نوع بازی ها شما را تشویق می کند تا دیگران را “بکشید” و بازی را ببرید. شاید فکر کنید این موضوع چندان هم بد نیست و فقط یک سرگرمی است. اما هر چقدر این بازی ها را بیشتر انجام دهید، کمتر از خشونت ناراحت می شوید. خشونت در تلویزیون، فیلم ها، موسیقی و حتی کارتون های ما وجود دارد! بعضی از افراد ساعات زیادی به موسیقی که درباره کشتن صحبت می کند، گوش می دهند.

به زودی این افراد به آسیب رساندن به دیگران یا حتی آسیب رساندن به خودشان فکر می کنند. بعضی از افراد فیلم هایی را تماشا می کنند که کشتن یا کشته شدن مردم را نشان می دهد. سپس ممکن است خودشان نیز رفته و از این فیلم ها تقلید کنند. این مساله اتفاق افتاده است که بعضی از بچه ها اسلحه به مدرسه برده اند تا به دیگران آسیب برسانند یا حتی آنها را بکشند. خدا از اینگونه خشونت ها متنفر است. او می گوید: “قتل مکن” (خروج ۲۰ : ۱۳).

گرفتن جان کسی یا حتی جان خودتان گناه است. هیچ کس حق ندارد زندگی کسی را بگیرد. خدا می خواهد به زندگی دیگران و زندگی خودتان احترام بگذارد. مراقب آنچه که گوش می دهید یا تماشا می کنید، باشید. فکر تان را با افکار کشتار پر نسازید. برنامه های خشونت آمیز تلویزیونی یا بازی های خشونت آمیز ویدئویی را خاموش کنید. به آهنگ هایی گوش دهید که زندگی را جشن می گیرد. وقتی به زندگی احترام می گذارید، خدا را محترم می دارید.

سه چیزی که می توانید انجام دهید و به وسیله آنها به زندگی احترام بگذارید، چیست؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا به بازی های خشونت آمیز ویدئویی، برنامه های خشونت آمیز تلویزیونی یا موسیقی خشونت آمیز، نه بگویم. به من کمک کن تا با احترام گذاشتن به زندگی، تو را محترم بدارم. در نام عیسی. آمین





خدا درباره احترام گذاشتن به قدرت های برتر چه می گوید؟

تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹ : ۱۴)



سعید تکه های کاغذ را روی سر دخترانی که در ردیف صندلی های جلو اتوبوس نشسته بودند، می ریخت. راننده اتوبوس از او خواست که این کار را متوقف کند، اما به محض اینکه راننده به او نگاه نمی کرد، او به ایجاد مزاحمت ادامه داد. معلم کبری به او گفت کسانی که جلو او در صف ایستاده اند را هل ندهد. کبری با بی ادبی جواب معلمش را داد. سعید و کبری به کسانی که مسئولیت آنها را بر عهده داشتند، احترام نمی گذاشتند.

آیا شما به کسانی که مسئولیت شما را بر عهده دارند، احترام می گذارید یا اینکه جواب آنها را می دهید و از آنها سرپیچی می کنید؟ کتاب مقدس می گوید: “ مطیع دولت و قوانین آن باشید... ” (رومیان ۱۳ : ۱).

نقشه خدا برای شما این است که با مهربانی صحبت کردن و اطاعت نمودن از رهبران تان به آنها احترام بگذارید. خدا بعضی از مردم را به عنوان قدرت برتر نسبت به شما قرار می دهد و این موضوع برای خیریت شما است. آنها در این سمت ها قرار می گیرند تا به شما کمک کنند قوانین را رعایت کرده و بدین ترتیب در امنیت بمانید. آنها به شما کمک می کنند تا انتخاب های درستی انجام دهید و با بقیه مردم به خوبی زندگی کنید.

کسانی که بی ادب هستند یا از قدرت های برتر اطاعت نمی کنند، مجازات می شوند. وقتی بی ادب یا نامطیع هستید، برای خودتان و دیگران مشکل ساز می شوید. اگر بی ادب یا نامطیع بوده اید، این گناه را به خدا اعتراف کنید. از او بخواهید به شما کمک کند تا به کسانی که به عنوان قدرت های برتر شما هستند، احترام بگذارد.

فهرست چند نفر که می بایستی به آنها احترام بیشتری بگذارید را بنویسید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، مرا به خاطر مواقعی که نسبت به قدرت های برتر، بی ادب و نامطیع بوده ام، ببخش. به من کمک کن تا به آنها احترام بگذارم. در نام عیسی. آمین.



داوود چگونه به قدرت های برتر احترام گذاشت؟



تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹ : ۱۴)

خدا به مرد جوانی به نام داوود، وعده داد که روزی پادشاه اسرائیل خواهد شد. تا آن زمان او می باید به قدرت مافوق خود، یعنی شائول پادشاه احترام می گذاشت. یکروز زنان، داوود را به عنوان سربازی که بهتر از شائول است، تمجید کردند. این موضوع باعث حسادت شائول شد. بعدا وقتی داوود چنگ خود را می نواخت، تنفر و حسادت، کنترل افکار و ذهن شائول را به دست گرفت.

او نیزه خود را به سوی داوود پرتاب کرد، اما خدا زندگی داوود را حفظ کرد. از آن زمان به بعد شائول در تعقیب داوود بود. او می خواست داوود را بکشد!

داوود می دانست نقشه خدا برای او این است که پادشاه شود. او می توانست علیه شائول شورش کند، اما به شائول به عنوان قدرت مافوق خود احترام گذاشت.

یکبار شائول وارد غاری شد. او نمی دانست داوود و سربازانش در انتهای غار پنهان شده اند. مردان داوود خواستند شائول را بکشند، اما داوود آنها را از این کار منع نمود. داوود تکه ای از لباس شائول را برید تا به او نشان دهد که می توانست او را بکشد.

بعدا داوود از بریدن لباس شائول پشیمان شد. او به قدرت پادشاه احترام می گذاشت، هر چند شائول از خدا سرپیچی می کرد.

شما نیز مانند داوود می توانید به قدرت های مافوق احترام بگذارید. صبور باشید و منتظر خدا بمانید تا نقشه خود را به پیش ببرد.

وقتی زمان درست فرا رسید، خدا داوود را محترم داشت. او پادشاه اسرائیل شد. وقتی به قدرت های مافوق احترام می گذارید، خدا شما را نیز محترم خواهد داشت.

داوود چگونه قادر بود به شائول پادشاه احترام بگذارد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا حتی وقتی که دشوار است به قدرت های مافوق خود احترام بگذارم. در نام عیسی. آمین





من چگونه می توانم به قدرت های برتر احترام بگذارم؟

تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای!
(مزامیر ۱۳۹ : ۱۴)



خدا در کتاب مقدس ده فرمان را به واسطه موسی به مردم داد. احکام و فرمان های خدا به شما نشان می دهد که چگونه به قدرت های مختلف احترام بگذارید. مهم ترین کسی که مافوق شما است، خداست.
اولین فرمان او می گوید: “تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد” (خروج ۲۰ : ۳). هیچ چیز نباید مهمتر از خدا باشد. او شایسته مقام اول در زندگی ما است. هر روزه با خواندن کتاب مقدس و دعا کردن، جای اول را به خدا بدهید.
با رفتن به کلیسا در روزهای یکشنبه، اولین روز هفته را به او اختصاص بدهید. حتی نام خدا نیز شایسته احترام است.
در فرمان دیگری خدا می گوید: “نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر...” (خروج ۲۰ : ۷).

به کار بردن نام خدا به عنوان کلمه لعنت، بی احترامی به نام خدا است. بیاد داشته باشید که خدا مقدس است. نام او را با احترام به کار ببرید.
خدا افراد مختلفی را به عنوان قدرت های مافوق شما قرار داده است. احتمالاً اولین این قدرت ها بعد از خداوند که می توانید نام ببرید، پدر یا مادر تان می باشد. یکی از فرمان های خدا می گوید: “پدر و مادر خود را احترام نما...” (خروج ۲۰ : ۱۲). یکی از بهترین راه های احترام گذاشتن به والدین تان، اطاعت از آنها با طرز فکر درست می باشد.
خدا خود و دیگران را به عنوان قدرت های مافوق در زندگی تان قرار داده است. از او بخواهید به شما کمک کند تا به آنها احترام بگذارید.
دو راهی که به وسیله آنها می توانید به والدین تان احترام بگذارید را نام ببرید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر وجود والدینم از تو سپاسگزارم. به من کمک کن تا با طرز فکر درست از ایشان اطاعت کنم.
در نام عیسی. آمین





طمع کردن به چه معناست ؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶: ۶)



“تاکستان خود را به من بده!” اخاب پادشاه گفت (تاکستان باغی است که در آن انگور تولید می شود).

تاکستان متعلق به مردی بنام نابوت بود. این تاکستان از پدر و پدر بزرگ نابوت به او رسیده بود. نابوت پاسخ داد: “نه، تاکستانم را به تو نخواهم داد.” اخاب پادشاه عصبانی بود. او به قصر خود بازگشت، بر روی تخت دراز کشید، رو به دیوار کرد و از خوردن غذا امتناع ورزید. او عصبانی بود از اینکه نمی توانست آنچه را که می خواهد، داشته باشد. اخاب به تاکستان نابوت طمع می ورزید. طمع میل شدید به داشتن چیزی است که متعلق به شما نیست. اخاب نسبت به تاکستان نابوت آنقدر طمع می ورزید که بعدا دستور داد نابوت کشته شود!

طمع می تواند به اعمال بسیار بدی منجر شود. اما خدا می دانست چه چیزی در دل اخاب وجود دارد. بعد از اینکه نابوت کشته شد، اخاب پادشاه به تاکستان رفت تا آن را تصاحب کند.

خدا پیامبرش ایلیا را به آنجا فرستاد تا اخاب را ملاقات کند. ایلیا به اخاب گفت که خدا قصد داشت او را به خاطر عمل بسیار بدش مجازات نماید.

کتاب مقدس می گوید: “... زنهار از طمع بپرهیز، زیرا اگر چه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست” (لوقا ۱۲ : ۱۵).

خدا به شما هشدار می دهد تا آنچه را که متعلق به شما نیست، نخواهید. در عوض، برای آنچه که دارید خدا را شکر گزار باشید. خدا را اول قرار دهید و هر آنچه که نیاز دارید، خواهید داشت.

وقتی وسوسه می شوید طمع بورزید، چه کاری باید انجام دهید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، راه هایی را که طمع می ورزم، به من نشان بده. به من کمک کن تا به آنچه که به من داده ای قانع باشم.

در نام عیسی. آمین





خدا درباره قانع بودن چه می گوید؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶ : ۶)



“مامان به من پول می دهی تا بخرم؟” شما چگونه جای خالی را پر می کنید؟ یک اسباب بازی؟ بازی ویدیویی؟ شیرینی و شکلات؟ شاید بچه هایی را دیده اید که التماس کنان و ناله کنان چیزی را درخواست می کنند. شاید شما نیز این کار را انجام داده اید. در اینجا قدم هایی وجود دارد که طی آن کتاب مقدس به ما کمک می کند که قانع باشیم: در دعا باشید- اول از خدا بپرسید، آیا باید چیزی را که می خواهید، بخرید یا آن را درخواست کنید. خدا به شما کمک می کند تا بدانید چه چیزی درست است: “... برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها از او تشکر نمایید” (فیلیپیان ۴ : ۶). صبور باشید - وقتی چیزی نیاز دارید، خدا آن را به شما خواهد داد: “اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید” (فیلیپیان ۴ : ۷). قانع باشید- اگر خدا می گوید، نه، بیاد آورید که جواب او برای شما بهترین است: “... زیرا آموخته ام که به آنچه دارم، راضی و قانع باشم” (فیلیپیان ۴ : ۱۱). توکل و اعتماد کنید- خدا نیازهای تان را مرتفع خواهد کرد: “خدا نیز به سبب جانبازی عیسی مسیح، تمام احتیاجات شما را با ثروت شکوهمند خود رفع خواهد نمود” (فیلیپیان ۴ : ۱۹).

قانع بودن به آنچه دارید به زندگی شما خوشی و آرامش عظیمی خواهد داد. پولس نویسنده فیلیپیان در کتاب مقدس، یاد گرفت در همه چیز قانع باشد. شما نیز می توانید یاد بگیرید!

کدام یک از این چهار قدم برای تان دشوارتر است؟ چرا؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که تمام نیازهای مرا رفع می کنی. با قوت تو راضی و قانع خواهم بود. در نام عیسی. آمین



چگونه می توانم قانع باشم؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶: ۶)



از یکی از ثروتمندترین مردان دنیا پرسیده شد: “چقدر پول لازم است تا انسان شاد و راضی باشد؟” جواب شخص این بود: “چند تو مان بیشتر”
او می گفت هرگز پول کافی نداشته است. او همیشه بیشتر می خواست. بسیاری از مسیحیان نیز همین مشکل بیشتر خواستن را دارند. کتاب مقدس می گوید: “از پول دوستی بپرهیزید و به آنچه دارید قانع باشید”، زیرا خدا فرموده است: “شما را هرگز تنها نخواهم گذاشت و ترک نخواهم کرد” (عبرانیان ۱۳: ۵).
قانع بودن یعنی راضی بودن به آنچه دارید. وقتی قانع نیستید، در حقیقت می گوید که خدا از من مراقبت نمی کند.

اگر به عیسی به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورده اید، او وعده می دهد که هرگز، هرگز شما را ترک نخواهد کرد. او در مدرسه در منزل و هر جای دیگری با شما خواهد بود.

او نیازهای تان را رفع خواهد کرد. با عیسی می توانید به آنچه که هستید، آنطور که به نظر می آید، جایی که زندگی می کنید یا آنچه که دارید، قانع باشید.
هر گاه قانع نیستید، توقف کرده و از خدا به خاطر آنچه که دارید، تشکر کنید. از او تشکر کنید که با شما است و نیازهای تان را رفع خواهد کرد.
آیه حفظی ما می گوید: “اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خداپسندانه خود به آنچه که دارد، قانع و خرسند باشد” (اول تیموتائوس ۶: ۶).
وقتی عیسی را دارید، هر آنچه که نیاز دارید و حتی بیشتر از آن را دارید!
آیا امروز قانع و راضی هستید؟

فهرست سه چیزی که می توانید به خاطر آنها از خدا تشکر کنید را بنویسید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که عیسی همیشه با من است. به من کمک کن تا در او قانع و راضی باشم.
در نام عیسی. آمین





خدا در باره طمع و دزدی چه می گوید؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶: ۶)



شیما خیلی توت فرنگی دوست داشت. یک شب وقتی مادرش توت فرنگی خرید و سر میز شام گذاشته بود، او بشقاب خود را پر از توت فرنگی کرد. او مقدار کمی توت فرنگی برای برادران و خواهرانش باقی گذاشت.

او قانع نبود که تعداد کمی توت فرنگی داشته باشد و بقیه را با برادران و خواهرانش تقسیم کند. او تمامی آنها را برای خود می خواست.

طمع میل شدید به داشتن تمام آن چیزی است که می توانید به دست آورید. وقتی طمع می ورزید، فقط به خودتان می اندیشید. کتاب مقدس می گوید: “کسی که حریص سود باشد، خانه خود را مکرر می سازد...” (امثال ۱۵: ۳۷).

کامران در مغازه ای بود که سیبهای قشنگی درون سبد در کنار در قرار داشت. او منتظر ماند تا صاحب مغازه مشغول کاری شد، آنوقت او به سوی سبد رفت. او سیبی برداشته و زیر پیراهن خود پنهان کرد. او بدون پرداختن پول سیب از آنجا دور شد.

کامران دزدی کرد.

فرمان هشتم خدا می گوید: “دزدی مکن” (خروج ۲۰: ۱۵).

دزدی برداشتن چیزی است که به شما تعلق ندارد. شما باید کار کنید، پول به دست آورده و آنچه را که نیاز دارید، بخرید.

شما نباید چیزهایی را که متعلق به دیگران است، بردارید. طمع و دزدی، خود خواهانه است و شما را از قانع بودن باز می دارد.

وقتی وسوسه می شوید که طماع باشید یا دزدی کنید، چه کاری باید

انجام دهید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که به من یاد آوری می کنی تا دزدی نکنم و طمع نورزم. به من کمک کن تا به آن چیزی که دارم، قانع باشم.

در نام عیسی. آمین





وقتی عخان طمع ورزید چه اتفاقی افتاد؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶: ۶)



“هورا! پیروز شدیم! خدا به اسرائیل در جنگ با اریحا پیروزی بخشید.” خدا به ارتش اسرائیل کمک کرد تا شهر بزرگ اریحا را مغلوب سازند. اما وقتی آنها با شهر بسیار کوچکتری بنام عای جنگیدند، اسرائیل شکست خورد. یوشع، رهبر اسرائیل با اندوه بسیار به حضور خداوند آمد. خدا به یوشع مشکل را گفت: “اسرائیل گناه کرده است...” (یوشع ۷: ۱۱). شخصی خزائنی را از اریحا دزدیده است. خدا دستورات روشنی داده بود. تمامی خزائن شهر اریحا می باید به خانه خداوند داده می شد. اگر کسی خزائن را برای خود نگه می داشت، مجازات خدا را در پی داشت. در طول جنگ با اریحا مردی به نام عخان طمع ورزید. او مقداری از اشیای گرانبها را برداشته و در زیر چادرش دفن کرد. خدا به یوشع نشان داد که عخان فرد گناهکار است. عخان به کاری که انجام داده بود، اعتراف کرد.

عخان و خانواده اش و تمام دارائی شان به خاطر طمع نابود شدند (یوشع ۷). اگر اجازه دهید طمع وارد زندگی تان شود، ممکن است با مجازات بسیار بدی روبرو شوید. به این فکر کنید که ممکن است افراد زیاد دیگری نیز تحت تاثیر طمع شما قرار بگیرند.

شما نمونه بدی می شوید که دیگران از شما پیروی کنند. ممکن است بعضی افراد به خاطر آنچه در شما می بینند، از قبول کردن عیسی به عنوان نجات دهنده شان خود داری کنند. طمع شما چگونه بر دیگران تاثیر می گذارد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا با قانع بودن به آنچه دارم و طمع نورزیدن، نمونه خدا پسندانه ای برای دیگران باشم.
در نام عیسی. آمین



چگونه می توانم از طمع ورزیدن خود داری
کنم؟

اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خدا پسندانه خود به آنچه دارد، قانع و خرسند باشد. (اول تیموتائوس ۶: ۶)



طمع میل شدید به داشتن چیزی برای خودتان است. متضاد طمع، قانع بودن است. قانع بودن به این مفهوم است که به آنچه دارید، راضی هستید.

فقط خدا می تواند به شما کمک کند تا قانع باشید. از خدا به خاطر اینکه گناه تان را بخشیده است و تمام چیزهای نیکویی که به شما داده است، سپاسگزاری کنید. وقتی قانع هستید، به جای اینکه همیشه بخواهید چیزی دریافت کنید، می خواهید چیزی به دیگران بدهید. شما می توانید وقت تان را با دعا کردن و مطالعه کتاب مقدس به خدا بدهید.

شما می توانید قسمتی از پول توجیبی تان را در زمان هدیه دادن در کلیسا، به خدا بدهید. شما می توانید از استعدادها و قابلیت های تان برای خدمت به خدا استفاده کنید. شاید بتوانید در کلیسا در جلسه پرستشی سرود بخوانید یا تابلویی را برای کلیسا نقاشی کنید.

هدیه دادن به خدا راه بسیار عالی برای جلوگیری از طمع ورزیدن است. خدا نیز می تواند به شما کمک کند تا به جای طمع ورزیدن، به دیگران هدیه بدهید.

می توانید اسباب بازی تان را به بچه های دیگر داده و به آنها اجازه بدهید تا با آنها بازی کنند. می توانید کت اضافی خود را به کسی که ندارد، بدهید. از خدا بخواهید به شما نشان دهد که چگونه می توانید در رفع نیازهای دیگران کمک کنید. اجازه دهید خدا به شما کمک کند تا قانع باشید. به خدا و دیگران هدیه بدهید، آنوقت دیگر فرصتی برای طمع ورزیدن نخواهید داشت!

چگونه می توانید با طمع ورزیدن مقابله نمایید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا قانع باشم و به جای طمع ورزیدن به تو و دیگران هدیه بدهم. در نام عیسی. آمین



خدا درباره بردباری چه می گوید؟

... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱: ۱۹)



“صبر کن” یکی از سختترین کلماتی است که می توان از آن اطاعت کرد. اما خدا صبر کردن را به کار می برد تا بردباری را به شما تعلیم دهد. بردباری یعنی قابلیت صبر کردن در سکوت، حتی در زمان های سخت یا کسالت آور.

بعضی وقت ها خدا اجازه می دهد که سختی ها در زندگی فرزنداناش اتفاق بیافتد تا به ایشان یاد دهد که صبور باشند.

این مساله می تواند درس سختی برای یادگیری باشد! کتاب مقدس می گوید: “ای برادران عزیز، وقتی مشکلات و آزمایش های سخت از هر سو بر شما هجوم می آورند، بسیار شاد باشید، زیرا در آزمایش و سختی هاست که صبر و تحمل تان بیشتر می شود” (یعقوب ۱: ۲-۳). سختی های زندگی تان ایمان تان به خدا را آزمایش می کند. ممکن است بخواهید به خدا بگویید: “به من کمک کن در این زمینه بهتر شوم.” یا “کمک تا دوچرخه جدیدی بگیرم!” “اگر حتی خدا بگوید: “صبر کن” آیا صبور بوده و همچنان برای خدا زندگی می کنید؟

به عنوان یک مسیحی می توانید صبورانه منتظر خداوند بمانید، با این آگاهی که او همه چیز را تحت کنترل خود دارد. “به خداوند امیدوار باش و بر او توکل کن. ایمان داشته باش و ناامید مشو” (مز امیر ۲۷: ۱۴).

وقتی با منتظر ماندن برای خداوند، بردباری به خرج می دهید، قویتر می شوید. بار دیگر که با یک سختی روبرو شدید، به خدا اجازه دهید تا از آن استفاده کرده و به شما تعلیم دهد که صبور باشید.

بنویسید چگونه خدا به شما تعلیم داده است که صبور باشید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به خاطر سختی های زندگیم از تو سپاسگزارم. به من کمک کن صبورانه منتظر تو باشم تا در زندگی من کار کنی و کمک کن تا به نقشه های تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین





خدا چگونه به صبر ایوب پاداش داد؟

... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱: ۱۹)



ایوب مردی ثروتمند بود. او هفت هزار گوسفند، سه هزار شتر، پنج هزار گاو نر و پانصد الاغ داشت. ایوب و همسرش ۷ پسر و ۳ دختر داشتند.

مهم تر از همه اینکه ایوب به خدا ایمان داشت. رابطه ایوب با خدا برایش مهمتر از هر چیز دیگری بود. اما خدا اجازه داد که سختی ها وارد زندگی ایوب شود.

یکروز تمامی گاوهای نر، شتران و الاغ های او به وسیله دزدان دزدیده شدند و تمامی گوسفندانش در آتش سوختند. فرزندان در خانه ای غذا می خوردند که باد سنگینی وزیدن گرفت و سقف خانه فرو ریخته، همگی مردند.

اندوه ایوب بسیار بیشتر از آن بود که متصور شوید، اما ایوب خدا را مقصر ندانسته و بدین ترتیب مرتکب گناه نشد (ایوب ۱: ۱۴، ۱۸-۱۹).

در ادامه خدا اجازه داد تا تمامی بدن ایوب به جوش های بسیار دردناکی مبتلا شود (ایوب ۱: ۷). همسر ایوب به او گفت که خدا را ترک کند و بمیرد (ایوب ۲: ۹).

زندگی بدتر از این نمی شد. اما ایوب همچنان چیزی نگفت که به خدا گناه کند. ایوب همه چیز، به جز ایمانش به خدا را از دست داد.

دوستان و اقوامش باعث دلسردی او شدند، اما ایوب همچنان صبور بود. او ایمان داشت که خدا همه چیز را تحت کنترل خود دارد.

کتاب مقدس می گوید که خدا در آخر به صبر ایوب پاداش داد. او به ایوب دو برابر آنچه را که قبلا داشت، باز پس داد. همچنین به ایوب فرزندان بیشتری نیز داد. خدا به ایوب بیش از آنچه که قبلا داشت داد (ایوب ۴۲: ۱۲).

ایوب چگونه در طول سختی هایش به خدا وفادار ماند؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا در سختی ها صبور باشم. به من کمک کن تا همیشه به تو وفادار بمانم.

در نام عیسی. آمین



چگونه می توانم صبور بمانم؟

... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱: ۱۹)



“آرزو دارم که یک سگ داشته باشم”، امیر با خود اندیشید. او هر روز تصور می کرد که با سگش بازی می کند و با او روی علف ها کشتی می گیرد. او از والدینش خواست که برای او یک سگ بخرند، اما آنها گفتند که نمی توانند هزینه نگهداری یک سگ را بپردازند. امیر گله و شکایت نکرد. او همچنان به دعا کردن و امیدوار بودن ادامه داد.

بالاخره پس از گذشت یک زمان طولانی، والدین امیر قبول کردند که او از یک سگ نگهداری کند. امیر به خاطر صبرش پاداش دریافت کرد!

گاهی وقتی از والدین تان یا خدا تقاضای چیزی مثل دوچرخه، یک حیوان خانگی یا یک اسباب بازی دارید، ممکن است آنها بگویند نه، یا اینکه بگویند صبر کن.

در چنین اوقاتی می بایستی “نزد خداوند ساکت شوید و منتظر او بمانید” (مز امیر ۳۷: ۷).

گله و شکایت نکنید و از نق زدن خودداری نمایید. به دعا و اعتماد کردن ادامه دهید تا خدا آنچه را که بهترین است، انجام دهد. شاید از خدا می خواهید که کار بسیار بزرگتر و جدی تری برای تان انجام دهد، مثلاً می خواهید دوستی را که در حال مرگ است، شفا دهد یا در یک مشکل بزرگ خانوادگی کمک کند. ساکت ماندن و منتظر خدا بودن دشوار است. بیاد داشته باشید که خدا از آینده آگاه است. قسمتی از صبور بودن این است که بدانید خدا آنچه را که بهترین است، برای تان انجام خواهد داد.

شاید می باید برای موضوعی سال ها صبر کنید. صبر کردن یعنی اینکه به خدا اعتماد کنید تا آنچه را که بهترین است در زمان خودش برای شما انجام دهد.

خدا چگونه به صبر شما پاداش داده است؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا صبورانه منتظر تو باشم و به تو اعتماد کنم تا در زمان عالی و کامل خود به دعاهايم جواب بدهی.

در نام عیسی. آمین



... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱: ۱۹)



چه نوع چیزهایی باعث می شود که عصبانی شوید؟ آیا وقتی برادر کوچکترتان اتاق تان را به هم می ریزد یا خواهرتان لباس های تان را پاره می کند، عصبانی می شوید؟

شاید وقتی می خواهید کاری انجام دهید و والدین تان به شما اجازه نمی دهند، عصبانی می شوید. عصبانیت می تواند باعث مشکلات زیادی شود. عصبانیت می تواند باعث شود چیزی بگویید یا کارهایی انجام دهید که بعدا احساس بدی از انجام آنها داشته باشید. عصبانیت می تواند باعث پشیمانی و شرمندگی شما شود. عصبانیت می تواند دوستی ها را از بین ببرد. مردم دوست ندارند که با شخص عصبانی مصاحبت نمایند. عصبانیت، حتی می تواند سلامتی شما را نیز به خطر اندازد. گاهی اوقات طبیعی است که احساس عصبانیت کنید، اما عصبانیتی که غیر قابل کنترل شود، گناه است. خدا مشتاق است که با او و با خودتان و دیگران در آرامش و صلح باشید. انجام این کار همیشه آسان نیست. یکی از قوانین خوب و کاربردی برای پیروی این است: “اگر عصبانی شدید، اجازه ندهید گناهی از شما سرزند. پیش از اینکه خورشید غروب کند، خشم را از خود دور کنید” (افسیان ۴: ۲۶). به عبارتی دیگر اجازه ندهید که عصبانیت، زندگی تان را کنترل کند، گناه تان را به خدا اعتراف کنید و از او بخواهید شما را ببخشد. اگر نسبت به کسی عصبانی هستید، با آن شخص صحبت کنید. سعی کنید این مشکل را حل کنید. ممکن است لازم باشد که عذر خواهی کنید. آیه حفظی مان را به یاد آورید: “... بیشتر گوش دهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید” (یعقوب ۱: ۱۹).

عصبانیت چگونه می تواند به زندگی تان آسیب برساند؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، لطفاً به من کمک کن تا با دیگران صبور باشم و زود خشمگین نشوم. در نام عیسی. آمین





آیا درست است که در بعضی مواقع عصبانی شوید؟

... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگوئید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱ : ۱۹)



والدین، فرزندان شان را به نزد عیسی آوردند تا او آنها را در آغوش کشیده و برای شان دعا کند. وقتی شاگردان دیدند که بچه ها به سمت عیسی می آیند، سعی کردند آنها را از این کار باز دارند. عیسی نسبت به شاگردان عصبانی شد. او به شاگردان دستور داد که اجازه دهند بچه ها به نزد او بیایند (مرقس ۱۰ : ۱۳-۱۶). یکبار دیگر عیسی وارد هیکل شد (هیکل محل پرستش یهودیان بود). او مردم را دید که آنجا در حال خرید و فروش حیوانات، عوض کردن پول و فریب دادن یکدیگر بودند.

ایشان از هیکل مقدس خداوند برای نقشه های طمع کارانه خودشان استفاده می کردند، عیسی آنها را به بیرون از هیکل هل داد و میزهای آنها را نیز به هم ریخت. او فریاد زد: "خدا در کتاب آسمانی فرموده است: خانه من مکان عبادت برای تمام قوم هاست. ولی شما آن را میعادگاه دزدان ساخته اید" (مرقس ۱۱ : ۱۷).

در هر دو مورد بالا عیسی نسبت به گناه عصبانی شد. شما نیز باید نسبت به گناه عصبانی باشید. اگر شخصی به شما مواد مخدر تعارف کرد، عصبانی شوید. وقتی می شنوید که نام خدا به عنوان کلمه قسم به کار می رود، باید عصبانی شوید. عصبانی شدن به این معنا نیست که گناه کرده اید. کلام خدا به ما می گوید: "اگر عصبانی شدید اجازه ندهید گناهی از شما سربرزند. پیش از آنکه خورشید غروب کند، خشم را از خود دور کنید" (افسیان ۴ : ۲۶). باید نسبت به گناه عصبانی شوید، ولی نباید اجازه دهید که این عصبانیت شما را کنترل کند. وقتی با عصبانیت روبرو می شوید، از خدا بخواهید به شما طرز فکر صحیحی عطا کند.

چرا باید نسبت به گناه عصبانی باشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که به من درباره نوع درست عصبانیت تعلیم می دهی. وقتی عصبانی می شوم به من کمک کن که گناه نکنم. در نام عیسی. آمین





چگونه می توانم خویشتندار باشم؟

... بیشتر گوش بدهید، کمتر سخن بگویید و زود خشمگین نشوید. (یعقوب ۱: ۱۹)



خویشتنداری به این معناست که اجازه دهید خدا از طریق شما کار کند تا افکار، احساسات و اعمال تان را کنترل نماید و در عوض اجازه ندهید که این چیزها شما را کنترل کنند.

عیسی راه را به ما نشان داد تا در زندگی خویشتنداری داشته باشیم. عیسی خداوند به عنوان یک کودک، در اطاعت از والدین خود خویشتنداری داشت (لوقا ۲: ۴۱-۵۱). وقتی عیسی در بیابان توسط شیطان وسوسه شد، با امتناع از گناه کردن به عنوان یک مرد، خویشتنداری خود را نشان داد (لوقا ۴: ۱-۱۳).

عیسی حتی وقتی بر روی صلیب می مرد، با بخشیدن کسانی که او را مصلوب کرده بودند، خویشتنداری نشان داد (لوقا ۲۳: ۳۴).

شما می توانید از طریق قدرت روح القدس، خویشتنداری داشته باشید. اجازه دهید تا روح القدس درون شما، یعنی آنچه می گویید، می اندیشید یا انجام می دهید را کنترل نماید. از مکان ها و افرادی که شما را وسوسه می کنند تا خویشتنداری خود را از دست بدهید، دوری کنید. هر روز صبح کنترل خود را به خدا بدهید. می توانید بگویید: "خدا، دهانم را به تو می دهم تا حقیقت را بگویم. دستانم را به تو می دهم تا به دیگران کمک کنم.

فکرم را به تو می دهم تا به افکار پاکی بیاندیشم. چشمانم را به تو می دهم تا کلامت را بخوانم."

پرورش خویشتنداری مستلزم این است که سخت تلاش کنید. به روح القدس اعتماد کنید و به او اجازه دهید تا در شما کار کند.

داشتن خویشتنداری در چه زمینه ای از زندگی برای تان دشوارتر

است؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن که تمامی قسمت های زندگیم را به تو بدهم تا روح القدس آنها را کنترل کند. در نام عیسی. آمین



خدا درباره مهربانی چه می گوید؟

و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



آیا دیگران از شما به عنوان شخصی مهربان یاد می کنند؟ مهربانی یعنی اینکه با دیگران با محبت و احترام رفتار کنید. مهربانی محبتی است که در عمل نشان داده می شود. بیاد آورید وقتی که عیسی بر روی زمین زندگی می کرد، چقدر مهربان بود. حتی وقتی افراد شایسته آن محبت نبودند، عیسی با آنها با مهربانی رفتار می کرد. او نسبت به فقرا، سالمندان، بیماران و بچه ها مهربان بود. او نسبت به دوستان و دشمنانش مهربان بود. او حتی به کسانی که دیگران از آنها متنفر بودند، مهربانی می کرد. بزرگترین نمایش محبت و مهربانی عیسی وقتی بود که بر روی صلیب برای گناهان شما و من مرد. او با میل شخصی رنج کشید، خورش ریخته شد و به طرز فجیعی مرد تا امکان بخشش ما فراهم شود.

او حتی نسبت به کسانی که او را به صلیب کشیده بودند، مهربان بود. چون عیسی چنین مهربانی به ما به عنوان فرزندان نشان داده است، ما نیز باید همین مهربانی را به دیگران نشان بدهیم.

بدون اینکه از شما خواسته شود، در کارهای خانه کمک کنید و بدین ترتیب مهربانی خود را نشان دهید.

در مدرسه با کسی که به نظر می رسد دیگران دوست ندارند با او رابطه دوستانه ای داشته باشند، دوست شوید.

به شخص پیری که در همسایگی تان است، در تمیز کردن حیاط منزلش یا در بیرون گذاشتن زباله ها کمک کنید.

به دنبال راه هایی باشید که مهربانی خدا را به دیگران نشان می دهد. این هفته چگونه می توانید به شخصی مهربانی کنید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا محبت و مهربانی تو را به دیگران نشان دهم. در نام عیسی. آمین





ابراهیم چگونه به لوط مهربانی کرد؟

و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



ابراهیم مرد ثروتمندی بود. خدا به او گفت که وطنش را ترک کند و برای زندگی کردن به سرزمین جدیدی برود. خدا به ابراهیم وعده داد که خانواده اش قوم عظیمی خواهند شد و سرزمینی خواهند داشت که آن را خانه (وطن) خواهند نامید (پیدایش ۱۲: ۱-۲).

پسر عموی ابرام یعنی لوط، ابرام و همسرش ساره را در این سفر همراهی می کرد. ابرام و لوط هر دو خدمتکاران و حیوانات زیادی داشتند. وقتی آنها به سرزمین جدید رسیدند، متوجه شدند که زمین آنجا غذا و آب کافی برای تمامی حیوانات شان ندارد. خدمتکاران ابرام و لوط درباره این مشکل مشاجرات سختی داشتند (پیدایش ۱۲: ۵ و ۱۳: ۷). ابرام به لوط گفت که بهتر است گله های خود را از یکدیگر جدا سازند تا بدین ترتیب آب و غذای کافی داشته باشند.

خدا قبلاً آن زمین را به ابرام داده بود. اما ابراهیم پیشنهاد محبت آمیز و سخاوتمندانه ای به لوط داد.

ابرام به لوط اجازه داد که او اول زمین های مورد علاقه اش را انتخاب کند. لوط بهترین زمینی که چاهایی تمیز و خاکی حاصلخیز داشت را انتخاب کرد. ابرام نیز قسمتی که باقی مانده بود را برداشت. او می توانست بهترین زمین را برای خودش بردارد، اما تصمیم گرفت با دادن بهترین قسمت زمین به لوط، نسبت به او مهربانی کند (پیدایش ۱۳: ۸-۱۱).

ابرام نمونه بزرگی از مهربانی کردن به اعضای فامیل را به ما نشان می دهد. این کار همیشه آسان نیست، اما خدا می تواند به شما کمک کند تا اینگونه رفتار کنید! چگونه می توانید به اعضای خانواده تان مهربانی کنید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خداوند عزیز، به خاطر خانواده ام از تو متشکرم. به من کمک کن تا حتی وقتی دشوار است به هر کدام از اعضای خانواده ام مهربانی کنم. در نام عیسی. آمین.



چگونه می توانم با دیگران مهربان باشم؟

و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



مهربانی کردن به دیگران مستلزم این است که افکار، سخنان و اعمال تان را برای این منظور به کار بگیرید. آیا دیگران را بر خود مقدم قرار می دهید؟ عیسی را اول قرار دهید، دیگران را در مرتبه دوم و خود را در آخر قرار دهید. این کار مفهوم... فروتن باشید و دیگران را از خود بهتر بدانید (فیلیپیان ۲: ۳) "می باشد. سخنان ما نیز در مهربانی کردن به دیگران مهم هستند. شاید مردم بگویند: "سخنان هرگز باعث رنجش نمی شوند"، اما بعضی مواقع سخنان حقیقتاً باعث رنجش می شوند. بعضی از بچه ها توسط دیگران به اسامی زشت و مسخره ای نامیده می شوند، این بچه ها گاهی تا آخر عمر خود، این اسامی را به یاد می آورند. پیش از اینکه صحبت کنید، فکر کنید. وقتی چیز نیکویی برای گفتن ندارید، اصلاً چیزی نگویید. همواره در جستجوی این باشید که سخنی محبت آمیز بگویید. در انتها باید بدانیم که مهربانی کردن به دیگران مستلزم انجام اعمال است. به دنبال راه هایی باشید که می توانید به دیگران کمک کنید. به همکلاسی تان که درسش خوب نیست، کمک کنید. به همسایه تان در جمع آوری برگ ها کمک کنید. با نگهداری از برادر یا خواهر کوچکترتان به مادرتان کمک کنید. با درست کردن کارت زیبایی برای دوست بیمارتان، به او کمک کنید. مهربانی کردن می تواند کمک کند به دیگران نشان دهید که مسیحی هستید. شاید بدین ترتیب بتوانید درباره بزرگترین محبتی که عیسی خداوند برای شما انجام داده است، با آنها صحبت کنید. وقتی به دیگران مهربانی می کنید، در حقیقت محبت عیسی را به آنها نشان می دهید. سه راهی که به وسیله آنها در این هفته به دیگران مهربانی می کنید را نام ببرید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا مهربانی تو را در افکار، سخنان و اعمالم به دیگران نشان بدهم. در نام عیسی. آمین



و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



بخشش یعنی اینکه اجازه بدهم عصبانیت و میل به انتقام از کسی که باعث رنجش من شده است، از بین برود. بخشش حقیقی از طرف خدا است. از زمانی که اولین گناه توسط اولین انسان ها، یعنی آدم و حوا وارد جهان شد، تمامی اشخاص به بخشش خدا نیازمند شدند. عیسی مسیح، خدای پسر، بر روی صلیب مرد تاراه بخشش ما را از گناهان مان فراهم سازد. کسانی که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده شان اعتماد می کنند، بخشیده می شوند - از گناهان شان پاک می شوند. اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان اعتماد کرده اید، می توانید از او به خاطر اینکه شما را بخشیده است، سپاسگزاری کنید. وقتی که بخشش خدا را دریافت کرده اید، خدا از شما می خواهد کسانی که باعث رنجش شما شده اند را ببخشید. آیه امروز ما می گوید: "... و در عوض نسبت به هم مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است (افسیان ۴: ۳۲).

لازم است که شما دیگران را ببخشید، چون خدا شما را بخشیده است. شاید کسی حرف ظالمانه ای به شما زده است یا نسبت به شما عمل غیر منصفانه ای انجام داده است. اجازه ندهید که عصبانیت تان نسبت به آن شخص ادامه یابد، به تمام چیزهای گناه آلودی فکر کنید که خدا در زندگی تان بخشیده است. سپس انتخاب کنید شخصی که باعث رنجش شما شده است را ببخشید. حتی اگر آن شخص هرگز از شما به خاطر کاری که انجام داده است، عذر خواهی نکند، شما می توانید او را ببخشید، چون خدا شما را بخشیده است. چرا باید مایل باشید دیگران را ببخشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، سپاسگزارم که مرا بخشیدی. به من کمک کن تا دیگران را ببخشم، چون تو مرا بخشیدی.
در نام عیسی. آمین



یوسف چگونه با برادرانش رفتار کرد؟

و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



اگر کسی می‌توانست دلیل خوبی برای متنفر بودن از برادرانش داشته باشد، این شخص یوسف بود. کتاب مقدس می‌گوید که برادران یوسف آنقدر نسبت به او حسادت می‌کردند که او را درون چاهی انداختند، برای کشتن او نقشه کشیدند و در آخر او را به عنوان برده فروختند.

با کمک و برکت خدا، یوسف به دومین مرد قدرتمند مصر تبدیل شد. وقتی قحطی (فقدان غذا) شدیدی به آن سرزمین‌ها آمد، مردم از مناطق اطراف برای خرید غذا به مصر می‌آمدند.

یکروز وقتی یوسف غذاها را پخش می‌کرد، ده برادر بزرگتر خود را دید که در مقابلش ایستاده بودند. او ایشان را شناخت، اما آنها او را نشناختند، زیرا اکنون یوسف شبیه یک مصری بود و مانند آنها حرف می‌زد.

یوسف می‌توانست از برادرانش انتقام بگیرد، اما این کار را نکرد. یوسف آنها را بخشید. او حتی از خدا تشکر کرد که او را به مصر فرستاد. یوسف فهمید که خدا از این موقعیت استفاده کرد تا نقشه عالی‌اش را به انجام برساند.

یوسف آنها را کاملاً بخشید. او از پدرش، برادرانش و خانواده‌اش دعوت کرد تا به مصر بیایند و در آنجا زندگی کنند تا او بتواند از ایشان مراقبت نماید (پیدایش ۵۰: ۱۶-۲۱).

لازم است یاد بگیرید که دیگران را همانطور که خدا شما را بخشیده است، ببخشید. فقط خدا می‌تواند به شما قوت بخشش دیگران را عطا نماید.

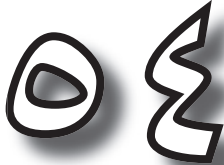
بخشیده شدن برادران یوسف توسط او، از چه نظر به بخشیده شدن شما توسط خدا شباهت دارد؟



می‌توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که درباره یوسف به من تعلیم می‌دهی. به من کمک کن تا دیگران را کاملاً ببخشم.
در نام عیسی. آمین





چگونه می توانم کسانی که باعث رنجش من شده اند را ببخشم؟

و در عوض نسبت به همه مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را به خاطر مسیح بخشیده است. (افسیان ۴: ۳۲)



پرستو به آرامی تنها در اطاقش گریه کرد. بچه های بزرگتر در اتوبوس مدرسه دوباره او را مسخره کرده بودند. پرستو از این اتفاق رنجیده خاطر و عصبانی بود. محسن شگفت زده شده بود. او صدای پدر و مادر خود را شنیده بود که در اواخر شب مشاجره می کردند، اما هرگز توقع نداشت که پدرش چمدان خود را ببندد و خانه را ترک کند. حالا محسن فکر می کرد که این اتفاق، تقصیر او است. او رنجیده خاطر و عصبانی بود. هر شخصی در طول زندگی خود از مسئله ای رنجیده است. بعضی وقت ها این رنج و درد، جسمانی است. مثلا وقتی ضربه ای به شما وارد می شود. وقتی شخصی باعث رنجش شما می شود، اغلب از او عصبانی می شوید. وقتی به یاد می آورید که چگونه خدا شما را بخشیده است، این موضوع به شما کمک می کند تا کسانی که باعث رنجش شما شده اند را ببخشید.

فقط با قوت خدا است که حقیقتا می توانید شخصی را ببخشید. با کسی که باعث رنجش شما شده است دعا کنید. از خدا بخواهید او را تغییر دهد.

فکر کنید که چه کار محبت آمیزی می توانید برای او انجام دهید. شاید این کار مشکل باشد. خدا نمی گوید که فقط "با دوستان تان مهربان باشید."

شما باید نسبت به دوستان و دشمنان تان مهربان باشید. به یاد آورید که عیسی چگونه کسانی که او را به صلیب میخکوب کردند و مرگ او را تماشا نمودند، بخشید. او گفت: "... ای پدر این مردم را ببخش، زیرا که نمی دانند چه می کنند" (لوقا ۲۳: ۳۴).

از خدا بخواهید به شما کمک کند که مثل او دیگران را ببخشید.

چگونه می توانید کسانی که باعث رنجش تان شده اند را ببخشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، دیگران باعث آزار من شده اند. حالا با قوت تو آنها (نام های شان را بگویند) را می ببخشم. در نام عیسی. آمین





خدا درباره درستکار بودن چه می گوید؟

البته خدا می داند که ما درستکاریم، اما می خواهیم دیگران نیز این را بدانند. از این روست که چنین ترتیبی داده ایم.
(دوم قرنتیان ۸: ۲۱)



آیا تا به حال این گفته را شنیده اید: “درستکاری بهترین روش است؟” وقتی برای تعیین خط و مشی خود فرصت انتخاب دارید، این جمله را به یاد آورید. خدا به ایمانداران یاد آوری می کند: “البته خدا می داند که ما درستکاریم، اما می خواهیم دیگران نیز این را بدانند” (دوم قرنتیان ۸: ۲۱).

گاهی اوقات می توانید یک انتخاب صادقانه (درست) انجام دهید یا اینکه انتخابی نادرست (اشتباه) داشته باشید. ممکن است افرادی به شما بگویند تا زمانی که می توانید موضوعی را پنهان کنید، صادق نبودن اشکالی ندارد. حقیقت این است که هر بار که درستکار نیستید، بالاخره دست تان رو می شود. خدا تمامی اعمال تان، حتی افکار تان را می داند! عیسی مسیح خداوند تمامی کارهایی را که انجام می دهید، می بیند. شما باید در نظر مردم نیز درستکار باشید. صادق باشید. دیگران شما را تماشا می کنند. وقتی درباره عیسی شهادت می دهید، اگر درستکار نباشید، ممکن است دیگران سخنان شما را باور نکنند. درستکاری برای خدا اهمیت بسیار زیادی دارد، چون او می خواهد حتی افکار تان نیز درست باشد. کتاب مقدس می گوید: “برادران عزیز، در خاتمه بگذارید این را نیز بگویم: فکر تان را بر روی هر چه راست و خوب و درست است، ثابت نگاه دارید. درباره چیزهایی فکر کنید که پاک و زیبا است. در صفات خوب و پسندیده دیگران تأمل کنید. درباره چیزهایی فکر کنید که می توانید خدا را برای آنها شکر کنید و به وجود آنها خوش باشید” (فیلیپیان ۴: ۸).

بیاد آورید که خدا شما را می بیند، دیگران نیز شما را تماشا می کنند. در افکار و اعمال تان درستکار باشید.

دیگران چگونه می توانند بگویند که شما درستکار هستید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا در افکار و زندگیم درستکار باشم تا بتوانم در زندگی خود تو را جلال دهم.
در نام عیسی. آمین



البته خدا می داند که ما درستکاریم، اما می خواهیم دیگران نیز این را بدانند. از این روست که چنین ترتیبی داده ایم.
(دوم قرن تیان ۸ : ۲۱)



کتاب مقدس درباره دو مرد دو قلو به نام های یعقوب و عیسو که از لحاظ اخلاقی متفاوت بودند، به ما می گوید.

عیسو که نخست زاده بود، شکار را دوست داشت و از سپری کردن وقتش در هوای آزاد لذت می برد. یعقوب در نزدیکی منزل شان کار می کرد و آشپزی را دوست داشت. یکرز پدر ایشان اسحاق خواست که برکت مخصوصی به عیسو بدهد. یعقوب تصمیم گرفت تا پدر خود را بفریبد و بدین ترتیب پدرش این برکت را به او بدهد. یعقوب با کمک مادرش یعنی رفقه، غذایی آماده ساخت. آنوقت رفقه پوست بز را بر دست ها و گردن یعقوب بست. یعقوب متقلب غذا را به درون خیمه پدرش حمل کرد. او غذا را به پدرش داد و وانمود کرد که برادرش عیسو می باشد. احتمالاً اسحاق بیش از ۱۰۰ سال سن داشت. او نمی توانست خوب ببیند. اسحاق دستانش را دراز کرد و دستان پدرش را لمس کرد - آنها مانند دست های عیسو پر مو بودند. اسحاق با خود اندیشید: "این باید عیسو باشد." اسحاق غذا را خورد و پسرش را برکت داد. یعقوب پدرش را فریفت. وقتی عیسو به منزل رسید از کاری که یعقوب کرده بود، بسیار عصبانی شد. عیسو گفت: " ... آنگاه یعقوب را خواهم کشت" (پیدایش ۲۷ : ۴۱). یعقوب می باید برای سال های زیادی از آنجا دور می شد. بعد ها پدر زن یعقوب، بارها یعقوب را فریفت و نسبت به او صادق نبود.

اغلب وقتی کاری را نسبت به دیگران انجام می دهید، در نهایت دیگران نیز آن عمل را نسبت به شما انجام خواهند داد. چه اتفاقات غم انگیزی در این خانواده، فقط به خاطر نادرستکاری و تقلب رخ داد.

نادرستکاری شما چگونه بر اعضای دیگر خانواده تان تاثیر می گذارد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، به من کمک کن تا نسبت به خانواده و دوستانم درستکار باشم.

در نام عیسو. آمین



درستکاری چیست؟

البته خدا می داند که ما درستکاریم، اما می خواهیم دیگران نیز این را بدانند. از این روست که چنین ترتیبی داده ایم. (دوم قرنثیان ۸: ۲۱)



داریوش و برادرش داوود بازی های مختلف را بسیار دوست داشتند. داریوش از داوود بزرگتر بود و حساب امتیاز بازی ها را نگه می داشت. ریاضی داوود خیلی خوب نبود، پس اجازه می داد که داریوش حساب امتیازات بازی را نگه دارد. یکروز عصر وقتی داریوش فهمید که به زودی بازی را می بازد، فکر کرد که به امتیازات خودش اضافه کند. داوود این موضوع را نمی فهمد. داریوش می بایستی چه کار می کرد؟ آیا حقیقتاً این موضوع اهمیت داشت؟ این فقط یک بازی بود.

الهام به مغازه بقالی رفت تا چند چیز برای مادرش بخرد. او بهای اجناس را پرداخت، اما وقتی صندوقدار بقیه پول الهام را داد، الهام متوجه شد که او ۲۵ تومان اضافه داده است. الهام چه کار باید می کرد؟ آیا حقیقتاً این موضوع اهمیت داشت؟ پول اضافی فقط ۲۵ تومان بود.

بله، این موضوع برای خدا اهمیت دارد. او می خواهد که سخنان تان، افکار تان و اعمال تان درست باشد. به یا آورید که خدا تمامی آنچه را که انجام می دهید، می داند. اگر امتیاز اضافی به امتیازات خود بیافزایید یا اینکه پول اضافی را که به اشتباه به شما داده شده است، برای خود نگاه دارید، خدا این موضوعات را می داند. حتی مسائل کوچک نیز برای خدا اهمیت دارد. وقتی دیگران درستکاری شما را در کارهای کوچک می بینند، اغلب در کارها و مسئولیت های بزرگتر نیز به شما اعتماد می کنند.

درستکارانه فکر کنید و درستکارانه عمل کنید. وقتی این کار را انجام می دهید، خدا خشنود خواهد شد.

چرا مهم است که حتی در چیزهای کوچک نیز درستکار باشید؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، لطفاً به من کمک کن تا حتی در چیزهای کوچک نیز برای تو درستکار باشم. در نام عیسی. آمین





خدا در باره ترسیدن چه می گوید؟

هنگامی که می ترسم، ای خداوند، بر تو توکل خواهم کرد.
(مزمیر ۵۶: ۳)



داوود پادشاه می دانست که ترسیدن چیست. او تجارب ترسناک بسیاری در زندگی خود داشت. به عنوان یک پسر بچه چوپان، می باید از گوسفندانش در مقابله با حیوانات وحشی محافظت می کرد. داوود به عنوان یک مرد جوان علیه مرد غول آسیایی که باعث ترس تمامی اسرائیل شده بود، جنگید. بعد ها به عنوان یک فرد بالغ، داوود سپاه خود را در بسیاری از نبردها رهبری کرد و زندگی اش اغلب در معرض خطر بود. اما داوود در تمام این تجربیات ترسناک می دانست که چه کاری با ترسش انجام دهد. در مزمیر ۲۳: ۴ داوود نوشت: "... حتی اگر از دره تاریک مرگ نیز عبور کنم، نخواهم ترسید. زیرا تو ای شبان من، با من هستی! عصا و چوبدستی تو به من قوت قلب می بخشد"

در مزمور دیگری او نوشت: "هنگامی که می ترسم، ای خداوند، بر تو توکل خواهم کرد" (مزمیر ۵۶: ۳). داوود اغلب به خود یادآوری می کرد که هر کجا که می رفت، خدا آنجا بود. خدا همواره با او بود.

بعضی اوقات ترسیدن طبیعی است. اما اگر به عیسی به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کرده اید، می توانید مطمئن باشید که خدا در تمام زمان ها با شما است. او در کلامش وعده داده است: "... هرگز تو را ترک نخواهم کرد" (عبرانیان ۱۳: ۵).

او هر لحظه از روز، هر کجا که بروید با شما است. وقتی می ترسید، همان کاری را انجام دهید که داوود انجام داد. بیاد بیاورید که خدا با شما است و به او اعتماد کنید. وقتی داوود ترسید، چه کار کرد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، متشکرم که در تمام اوقات با من هستی. به من کمک کن وقتی که می ترسم به تو اعتماد کنم.
در نام عیسی. آمین



وقتی شاگردان عیسی ترسیدند، چه کاری انجام دادند؟

هنگامی که می ترسم، ای خداوند، بر تو توکل خواهم کرد.
(مزامیر ۵۶: ۳)



برای نجات زندگی تان پارو بزنید! موج ها به زودی ما را غرق می کنند. شاگردان عیسی وحشت زده بودند. ایشان هرگز فکر نمی کردند روزی را که با عیسی سپری کرده بودند، در چنین ترسی به پایان برسد. عیسی مسیح خداوند در امتداد ساحل دریاچه جلیل به مردم تعلیم می داد. وقتی غروب شد، او به شاگردانش دستور داد تا سوار قایق کوچکی شوند و به آن طرف دریاچه عبور کنند.

همینکه آنها شروع به حرکت کردند، فوراً عیسی در قایق به خواب رفت. آنوقت طوفان شدیدی شروع به وزیدن کرد. موج ها به درون قایق می آمدند و شاگردان سعی می کردند که قایق را از غرق شدن نجات دهند.

شاگردان از ترس جان های شان، عیسی را بیدار کردند و فریاد زدند: “ای استاد، آیا تو را باکی نیست که هلاک شویم؟” (مرقس ۴: ۳۸). عیسی بلند شد و به بادها و امواج صحبت کرد: “ساکن شو و خاموش باش” (مرقس ۴: ۳۹).

فورا باد و امواج متوقف شد. همه چیز ساکت شد. عیسی به شاگردانش گفت: “از بهر چه چنین ترسانید و چون است که ایمان ندارید؟” (مرقس ۴: ۴۰). شاگردان دیدند که عیسی، خدای پسر، قدرت عظیمی بر همه چیز داشت. عیسی می خواست به ایشان یاد بدهد که وقتی می ترسند، می توانند به او اعتماد کنند. این درسی است که عیسی می خواهد شما نیز یاد بگیرید.

درباره زمانی بنویسید که ترسیده بودید و عیسی به شما کمک کرد تا جرات بیابید.



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیزم، متشکرم که با من هستی. به من کمک کن تا وقتی که می ترسم، به تو اعتماد کنم. در نام عیسی. آمین.





وقتی می ترسم چه کاری باید انجام دهم؟

هنگامی که می ترسم، ای خداوند، بر تو توکل خواهم کرد.
(مزامیر ۵۶: ۳)



چه چیزی باعث ترس شما می شود؟ شاید چیزهایی مانند تاریکی یا طوفان شما را می ترساند. شاید از این می ترسید که در منزل تنها بمانید یا اینکه از شما خواسته شود در مقابل تمام کلاس گزارشی را بخوانید. بعضی وقت ها مشکلات جدی تری مانند بیماری یا طلاق پدر و مادر تان، باعث ترس شما می شود.

ترس می تواند مشکل بسیار بدی باشد، چه دلیل آن موضوع کوچکی یا موضوع بزرگی باشد. ترسیدن می تواند بر بدن تان تاثیر بدی بگذارد، مثلا می تواند باعث بیماری شما شود.

ترس چیز طبیعی است که خدا در بدن شما آفریده است تا به شما کمک کند که از خطر فرار کنید. اما وقتی ترس شما را کنترل کند، تبدیل به مشکل می شود. راه حل خدا برای ترس، توکل کردن به او است. هیچ اتفاقی باعث تعجب خدا نمی شود.

او همه چیز را تحت کنترل خود دارد.

وقتی که می ترسید، می توانید این وعده مخصوص خدا را به خاطر آورید: “پس قوی و دلیر باش، مترس و هراسان مباش، زیرا در هر جا که بروی، یهوه خدای تو با توست” (یوشع ۱: ۹).

هر اتفاقی که بیافتد، خدا با شما است. درباره چیزهایی که باعث ترس تان می شود، با خدا صحبت کنید. این آیه را بگویید و آنچه را که آیه می گوید، باور کنید. وقتی می ترسید، به خدا اعتماد کنید. او هرگز شما را رها نخواهد کرد! دفعه بعد که ترسیدید، چه کاری انجام خواهید داد؟



می توانید اینطوری دعا کنید:

خدای عزیز، وقتی می ترسم به من کمک کن تا بیاد آورم که تو با من هستی. به من کمک کن تا به تو توکل کنم.
در نام عیسی. آمین

